

ویژگی های نظام ارزی شناور با نگاهی به نظام ارزی ایران

۱- مقدمه

نظام ارزی در چارچوب نظریه متعارف اقتصادی به سازوکار تعیین نرخ ارز از طریق نیروهای بازار در طرف عرضه و تقاضای آن اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر نظام ارزی اساساً با وجود بازار عمیق و رقابتی ارز مترادف است یعنی کشوری دارای یک نظام ارزی است که عوامل بسیار زیادی در طرف عرضه ارز با صادرات کالاها و خدمات متعدد و متنوع، ارز عرضه می‌کنند و تعداد آنها به اندازه‌ای است که تغییر رفتار یک یا چند عرضه‌کننده ارز وضعیت بازار را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. همچنین در طرف تقاضا، عوامل ذره‌ای زیاد، ارز تقاضا می‌کنند و این تقاضای ارز به خاطر کالاهای خارجی متنوع و با کشش تقاضای متفاوت است.

بنابراین کشوری می‌تواند دارای یک نظام ارزی باشد که در آن منشأ ارزآوری برای اقتصاد کشور متنوع باشد و صادرات آن کشور طیف قابل ملاحظه‌ای از کالاها را شامل شود و در طرف تقاضا هم عوامل فراوان با کشش‌های معقول ارز تقاضا کنند. مسلماً تعامل نیروهای عرضه و تقاضا در چنین بازار ارزی به شکل‌گیری یک نظام ارزی می‌انجامد که در آن قیمت ارز بطور درون‌زا تعیین می‌شود و نرخ تعیین شده با ثبات و پایدار است. بطور کلی نرخ‌های پایدار ارز در صورت وجود و حضور عوامل ذره‌ای فراوان در طرف عرضه و تقاضای ارز و بهره‌مندی بازار مذکور از عمق لازم امکان تحقق و تداوم دارند. نظام‌های ارزی در کل بر دو نوع‌اند:

۱. نظام ارزی شناور؛

۲. نظام ارزی ثابت.

البته طیفی از ترکیب‌های این وضعیت هم وجود دارد مثل نظام شناور مدیریت شده، شناور تعدیل شده، میخکوب خزنه، میخکوب با تعدیلات جزئی^۱ و نظایر آن.

۱- بازارهای عمیق در مقابل بازارهای سطحی به بازارهایی اطلاق می‌شود که شوک‌های موردی و خاص وضعیت آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و شوک‌های بزرگ نیز چندان آنها را بی‌ثبات نمی‌کند.

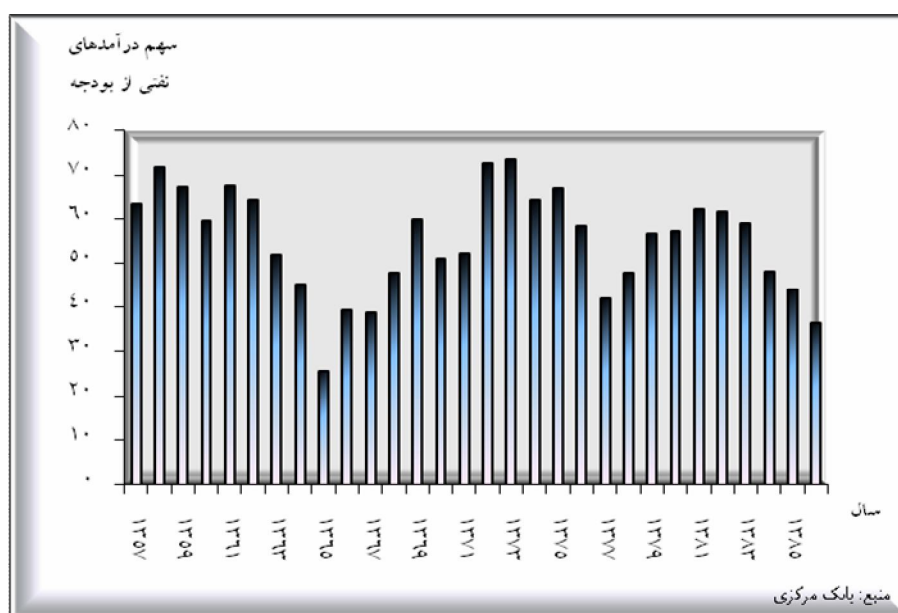
۲- نظام نرخ ارز شناور و ویژگی‌های آن

نظام شناور ارز به سازوکاری اطلاق می‌شود که در آن نرخ ارز توسط نیروهای عرضه و تقاضا و بدون مداخله مقامات پولی و دولت تعیین می‌شود. در این نظام ارزی تغییرات نرخ ارز تابعی است از تغییرات شرایط عرضه و تقاضای ارز. نظام ارزی شناور دارای مزایای عمده‌ای می‌باشد که عبارتند از:

۱- از آنجا که در این نظام ارزی نرخ ارز بدون مداخله دولت و مقامات پولی تعیین می‌شود نقش دولت در بازار ارز منتفی می‌شود و دولت می‌تواند بی‌توجه به دغدغه کسری تراز پرداخت‌ها روی اهداف اقتصاد داخلی متمرکز شود، زیرا در نظام نرخ ارز ثابت دولت برای مناسبات تراز تجاری با تراز پرداخت‌ها از ابزار نرخ ارز استفاده می‌کند و در پی آن است که نرخ ارزی را وضع کند که موجب ارتقاء صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها شود.

این در حالی است که در ایران، بودجه دولت به درآمدهای ارزی نفت وابسته است. لذا مداخله ارزی دولت انگیزه درآمدی نیز دارد و ممکن است دولت بی‌توجه به مقتضیات رقابت‌پذیری یا مقتضیات تولید داخلی یا تورم، نرخ ارز را به خاطر اهداف درآمدی خود تغییر دهد. همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود برای تمامی سال‌ها بخش عمده بودجه دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین گردیده است به طوری که متوسط سهم درآمدهای نفتی از بودجه دولت بالای ۵۰ درصد می‌باشد.

نمودار ۱: روند سهم درآمدهای نفتی از بودجه دولت (درصد)



۲- در نظام شناور بار تعدیل و تغییرات اقتصادی در حوزه عمل تجارت بین‌الملل روی نرخ ارز است نه سطح قیمت‌ها، زیرا اگر رقابت‌پذیری کشور مثلاً کاهش یابد نرخ ارز در بازار افزایش می‌یابد و قدرت اقتصادی نسبی کشور را افزایش می‌دهد و اگر به خاطر افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد، صادرات کشور نسبت به واردات افزایش یابد پول داخلی بطور خودکار تقویت و نرخ ارز تغییر می‌کند.

این در حالی است که در نظام نرخ ارز ثابت اگر رقابت‌پذیری کشور کاهش یابد، کسری تراز جاری به وجود می‌آید و این باعث می‌شود نرخ ارز تمایل به افزایش پیدا کند و بنابراین بانک‌های مرکزی برای ثابت نگهداشتن نرخ ارز مجبورند ارز به بازار عرضه کنند و در مقابل آن پول دریافت کنند که این موجب کاهش حجم پول در جریان و کاهش تورم می‌شود. همچنین اگر رقابت‌پذیری کشور افزایش یابد و پول ملی تقویت شود و ارزش‌های خارجی تمایل به کاهش قیمت داشته باشند، بانک‌های مرکزی در بازار، ارز خریداری می‌کنند و در ازاء آن پول به جامعه تزریق می‌کنند و بنابراین از این طریق موجبات افزایش حجم پول و سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم می‌کنند. لذا در نظام نرخ ارز ثابت بار تعدیلات روی حجم پول و سطح عمومی قیمت‌هاست اما در نظام نرخ ارز شناور بار تعدیلات روی نرخ ارز است.

۳- این نظام ارزی به وجود ذخایر ارزی زیاد وابسته نیست، زیرا وقتی نرخ ارز در بازار تعیین می‌شود و دولت و مقامات پولی خود را ملزم به ثابت نگهداشتن یک نرخ ارز معین نمی‌دانند، نیازی به عرضه ارز در بازار در موقع افزایش قیمت آن نیست. بنابراین ذخایر ارزی قابل ملاحظه برای تنظیم ارز و تثبیت یک نرخ هدف، موضوعیت ندارد. لذا در کشورهایی که کسری تجاری مستمر دارند حفظ یک نرخ ارز کار بسیار مشکلی است و ذخایر محدود آنها اجازه چنین کاری به بانک‌های مرکزی نمی‌دهد.

این در حالی است که در اقتصاد ایران وابستگی بودجه دولت به درآمد نفتی، ذخایر ارزی بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت برای تأمین بودجه ریالی، ارز مصوب بودجه یا ارز برداشت شده از صندوق ذخیره ارزی را به بانک مرکزی ارز می‌فروشد و بانک مرکزی بخشی از آن ارزها را به واردات‌کننده رسمی می‌فروشد و بخشی از ارزها که فروش نمی‌رود موجب افزایش پایه پولی و حجم پول در جریان می‌شود. در جدول (۱) مشاهده می‌شود که طی سالیان مختلف و به خصوص طی ده ساله اخیر همواره بخش عمده از رشد پایه پولی از ناحیه رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی می‌باشد.

جدول ۱: سهم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از رشد پایه پولی

سال	پایه پولی	خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	رشد پایه پولی	سهم خالص دارایی‌های بانک مرکزی از رشد پایه پولی
۱۳۷۱	۱۴۴۶۶,۷	۱۴۵۹,۵	۱۷,۴	۲,۶
۱۳۷۲	۱۸۰۰۷,۴	۴۳۱۰,۸	۲۴,۵	۱۹,۷
۱۳۷۳	۲۳۹۳۵,۲	۶۱۲۷,۷	۳۲,۹	۱۰,۱
۱۳۷۴	۳۴۴۰۱,۲	۱۰۹۵۱,۵	۴۳,۷	۲۰,۲
۱۳۷۵	۴۷۳۴۳,۱	۱۵۲۶۰,۴	۳۷,۶	۱۲,۵
۱۳۷۶	۵۲۵۱۳,۵	۵۹۴۱,۹	۱۰,۹	-۱۹,۷
۱۳۷۷	۶۱۹۶۴,۶	۲۴۶۵,۴	۱۸	-۶,۶
۱۳۷۸	۷۱۸۲۲,۶	۴۴۹۸,۸	۱۵,۹	۳,۲
۱۳۷۹	۸۴۳۹۸,۱	۷۵۷۶,۸	۱۷,۵	۴,۴
۱۳۸۰	۹۷۱۸۴,۸	۱۱۷۴۰,۸	۱۵,۲	۴,۹
۱۳۸۱	۱۱۹۶۱۵,۹	۸۱۳۸۷,۵	۲۳,۱	۷۱,۷

۱۳۸۲	۱۲۸۷۱۰,۹	۱۱۸۰۴۲,۶	۷,۶	۳۰,۶
۱۳۸۳	۱۵۱۲۰۰	۱۸۳۲۷۹,۴	۱۷,۵	۵۰,۷
۱۳۸۴	۲۲۰۵۴۱,۴	۲۵۷۵۶۷	۴۵,۹	۴۹,۱
۱۳۸۵	۲۷۹۹۷۵,۱	۳۷۱۱۹۵,۴	۲۶,۹	۵۱,۵
۱۳۸۶	۳۶۵۴۹۹	۴۳۸۶۳۰,۲	۳,۵	۲۴,۱
۱۳۸۷	۵۴۰۸۴۶,۷	۵۶۴۰۳۷,۹	۴۸	۳۴,۳

منبع: بانک مرکزی

۴- نرخ‌های ارز شناور شوک‌های تورمی خارجی را به داخل کشور منتقل نمی‌کنند در حالیکه در نظام‌های نرخ ارز ثابت، اگر در کشورهای طرف تجاری شوک تورمی رخ دهد و کالاهای آنها گران شود این امر موجب کاهش رقابت‌پذیری آنها می‌شود و این وضعیت زمینه با ارزش‌تر شدن پول ملی و کاهش نرخ‌های ارز خارجی را فراهم می‌کند و بانک مرکزی برای ثابت نگه‌داشتن نرخ اسعار خارجی در جامعه اقدام به خرید ارز نموده و در مقابل پول به جامعه تزریق می‌کند که این تزریق پول موجب افزایش پایه پولی و نقدینگی و به دنبال آن، افزایش تورم خواهد شد. بنابراین شوک تورمی از مجرای سازوکار نظام نرخ ارز ثابت به داخل کشور انتقال می‌یابد. اما در نظام نرخ ارز شناور چون دولت و مقامات پولی هیچ تعهدی به ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز ندارند لذا شوک پولی و تورمی خارجی به رشد نقدینگی و تورم داخلی منجر نمی‌شود. البته اینکه در مورد همه کشورها نرخ ارز در فضایی کاملاً رقابتی عمل کند و شوک‌های خارجی را به طول کامل دفع کند، جای تأمل وجود دارد.

۵- در نظام نرخ ارز شناور، سیاست پولی مستقل‌تر می‌شود و می‌توان با ابزار سیاست پولی اهداف داخلی (حداقل کوتاه مدت) را دنبال کرد، زیرا در نظام نرخ ارز ثابت وقتی سیاست پولی انبساطی اعمال می‌شود موجب افزایش تورم و کاهش نرخ بهره می‌شود و به دنبال آن صادرات محدودتر شده و واردات تشویق می‌شود که اگر حساب سرمایه هم فعال باشد و نقل و انتقال سرمایه آسان باشد، خروج سرمایه در کشور آغاز می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی فشار بر بازار ارز و تمایل نرخ ارز به افزایش خواهد بود. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز، ارز خارجی عرضه می‌کنند و پول جمع‌آوری می‌کنند که این خود سیاست پولی اولیه آنها را خنثی می‌کند. از طرف دیگر در نظام نرخ ارز ثابت، نرخ ارز برون‌زا است اما اندازه ذخایر ارز خارجی و پایه پولی و بنابراین پول درون‌زا می‌شود. در حالیکه پایه پولی و پول در نظام نرخ ارز شناور، برون‌زا و قابل کنترل است و تأثیرگذاری سیاست پولی مطمئن‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

۶- در نظام نرخ ارز شناور مقدار کسری یا مازاد تجاری که انحراف از وضعیت تعادلی را نشان می‌دهد، نسبت به نظام نرخ ارز ثابت کمتر است ضمن اینکه زمان تعدیل نیز کوتاه‌تر است؛ با فرض اینکه نظام‌های ارزی کشورها عمیق و رقابتی باشند در عکس‌العمل به شرایط مازاد و کسری، نرخ ارز بطور نسبتاً سریع عکس‌العمل نشان داده و به عنوان تثبیت‌کننده خودکار، مازاد یا کسری تجاری را مرتفع می‌کند. اما در نظام نرخ ارز ثابت چون چنین سازوکار خودکاری وجود ندارد و نرخ ارز در مقدار معین خود ثابت است، مقامات اقتصادی با مشاهده کسری‌ها یا مازادهای قابل ملاحظه تصمیم می‌گیرند که نرخ ارز را برای کاهش عدم تعادل تراز تجاری تغییر دهند و چون این تشخیص و اقدام و

تأثیرگذاری بعد از آن با وقفه‌های قابل ملاحظه همراه است عدم تعادل‌ها در نظام نرخ ارز ثابت، طولانی‌تر و عمیق‌تر خواهد بود.

۷- برخلاف نظام نرخ ارز ثابت و نظام استاندارد طلا، در نظام نرخ ارز شناور برای هر دو کشور دارای مازاد و کسری فشار یکسانی بر نرخ‌های ارز آنها وارد می‌شود. یعنی کشوری که مازاد دارد نرخ ارز در آن تمایل به کاهش دارد و کشوری که در مقابل معادل آن کسری دارد، نرخ ارزش به همین اندازه تمایل به افزایش دارد و لذا نرخ ارز هر دو کشور بار تعدیل و حرکت به سمت تعادل را از طریق تغییر نرخ ارز به دوش می‌کشند.

۸- در نظام نرخ ارز شناور کاهش یا افزایش نرخ ارز بصورت تدریجی و محدود انجام می‌شود، یعنی نرخ ارز در مواجهه با هرگونه عدم تعادل در تراز تجاری (یا تراز پرداخت‌ها) عکس‌العمل نشان می‌دهد و عدم تعادل بوجود آمده را با تغییر خود مرتفع می‌سازد. لذا چون اقتصاد زود به تعادل می‌رسد و عدم تعادل انباشت نمی‌شود تغییرات نرخ ارز تدریجی و محدود است. اما در نظام نرخ ارز ثابت چون نرخ ارز نمی‌تواند نسبت به عدم تعادل‌های به وجود آمده در حساب‌های خارجی عکس‌العمل نشان دهد، مازادها یا کسری‌ها انباشت می‌شوند و وقتی شدت پیدا کردند مقامات پولی و دولت مجبور می‌شوند نرخ ارز را طوری تغییر دهند که عدم تعادل‌های ایجاد شده را از بین ببرند و لذا مقدار تغییر نرخ ارز قابل ملاحظه و بالاست.

۳- آیا اقتصاد ایران نظام ارزی واقعی دارد؟

گفته می‌شود در اقتصاد ایران نرخ ارز به روش شناور مدیریت شده تعیین می‌شود؛ یعنی این سازوکار بازار ارز است که نرخ ارز را تعیین می‌کند و بانک مرکزی کشور هم تا حدی آن را مدیریت می‌کند و از بی‌ثباتی آن جلوگیری می‌کند. اما سیلان و رشد پایه پولی از ناحیه افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته بطور کامل این ادعا را تأیید نمی‌کند. اطلاعات جدول (۱) به خوبی تأییدکننده این مطلب خواهد بود. همان طور که ملاحظه می‌شود اعداد و ارقام این جدول بیانگر این است که تغییرات نرخ ارز بیشتر از یک الگوی تثبیتی تبعیت کرده است تا از یک نظام شناور مدیریت شده. البته بطور کلی در خصوص اینکه ما در اقتصاد ایران دارای نظام ارزی هستیم یا نه بحث‌های زیادی وجود دارد.

نکته بسیار مهمی که در اینجا وجود دارد این است که کشور اولاً باید از بازار ارز عمیق، کارا و رقابتی برخوردار باشد و ثانیاً انعطاف‌پذیری‌های فنی تولید بالا باشد. به عبارت دیگر بازار ارز باید عمیق و کارا باشد و عرضه صادرات و تقاضای واردات نیز با کشش باشند.

به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران بازار ارز عمیق نیست. نظام ارزی به معنی بازار عمیق و رقابتی ارز است که در آن در هر دو طرف عرضه و تقاضا عوامل ذره‌ای و جزء فعالیت دارند یعنی با تنوع و گسترش صادرات غیر نفتی، چندین منشأ ارزآوری در اقتصاد وجود دارد که شوک‌های موردی نمی‌تواند همه آنها را محدود کند و معمولاً رکود چند کالای صادراتی احتمالاً با رونق یا حداقل عدم رکود چند کالای صادراتی دیگر همراه است. بطور کلی برای اینکه عوامل عرضه‌کننده ارز از طریق صادرات در اقتصاد کشور ماهیت ذره‌ای پیدا کنند باید تعداد آنها و تنوع کالای صادراتی آنها به گونه‌ای باشد که امکان تبانی، هماهنگی و احتمال همبستگی‌های چرخه‌ای (رکود با هم و رونق با هم) برای آنها

امکان‌پذیر نباشد. لازمه این کار نهادینه کردن استانداردهای کیفی و ارتقاء کیفیت و بهره‌وری است، بطوری که بتوان در چندین کالای پرتقاضا و دارای بازار بین‌المللی گسترده، رقابت‌پذیر شد و صادرات غیر نفتی را شتاب بخشید. اما در شرایط فعلی که سهم عمده درآمد ارزی ما از ناحیه فروش نفت است نمی‌توان بازار ارز عمیق و رقابتی داشت. جدول (۲) به خوبی این امر را نشان می‌دهد.

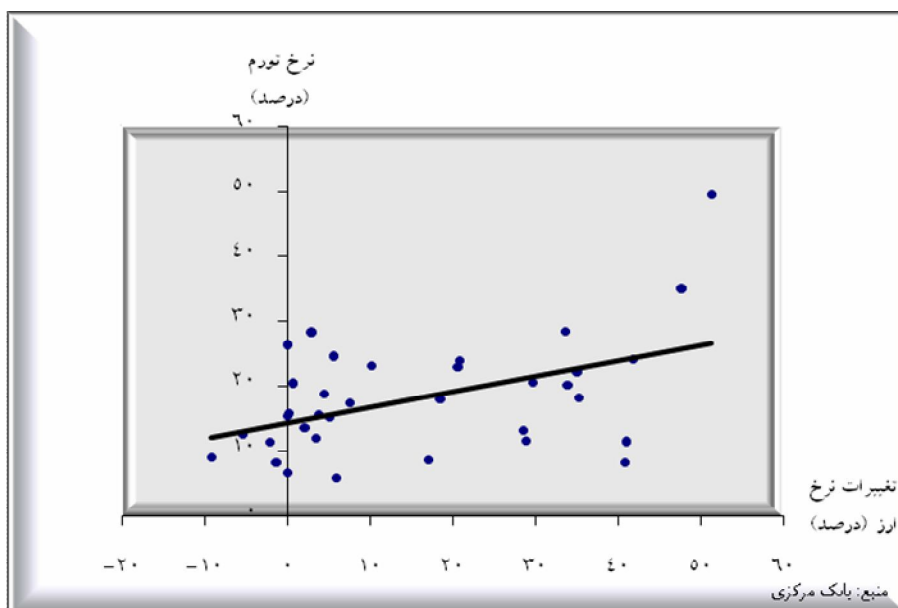
جدول ۲: نرخ ارز رسمی طی سال‌های ۸۶-۱۳۶۷

سال	نرخ ارز (ریال)	سال	نرخ ارز (ریال)
۱۳۶۷	۶۹	۱۳۷۷	۱۷۵۳
۱۳۶۸	۷۲	۱۳۷۸	۱۷۵۳
۱۳۶۹	۶۷	۱۳۷۹	۱۷۵۳
۱۳۷۰	۶۸	۱۳۸۰	۱۷۵۳
۱۳۷۱	۶۶	۱۳۸۱	۷۹۵۸
۱۳۷۲	۱۶۴۶	۱۳۸۲	۸۲۸۲
۱۳۷۳	۱۷۴۹	۱۳۸۳	۸۷۱۹
۱۳۷۴	۱۷۴۸	۱۳۸۴	۹۰۲۶
۱۳۷۵	۱۷۴۸	۱۳۸۵	۹۱۹۶,۹
۱۳۷۶	۱۷۵۲	۱۳۸۶	۹۲۸۵,۱

منبع: بانک مرکزی

وقتی وفور ارزهای نفتی است مشکلی نیست اما وقتی قیمت نفت کاهش یابد بطور حتم بحاله قیمت ارز به بازار به وضعیت باثباتی منجر نمی‌شود و اساساً ارز در شرایط کمبود و کسری در اقتصاد ما وارد مدارهای سفته‌بازی و سوداگرانه می‌شود. در مواقع کمبود ارز در اقتصاد کشور، نرخ ارز تمایل به افزایش شدید دارد و این خود موجب افزایش انتظارات تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود. علاوه بر این بسیاری از تولیدات داخلی کشور وابستگی ارزی دارند و وقتی نرخ ارز بی‌ثبات باشد، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و چه بسا رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی را هم کاهش دهد. در نمودار (۲) ملاحظه می‌شود که ارتباط مثبتی بین تغییرات نرخ ارز با تغییرات نرخ تورم وجود دارد به عبارتی دیگر تجربه کشور نشان داده که به همراه افزایش نرخ ارز شاهد افزایش نرخ تورم بوده‌ایم.

نمودار ۲: تأثیرپذیری نرخ تورم از تغییرات نرخ ارز



اقدام به احاله قیمت ارز در بازار در سال‌های برنامه اول و دوم و نتایج آن را نیز می‌توان از جدول و نمودار (۲) مشاهده کرد. دلیل این امر آن است که بازار ارز ما عمیق نیست و طرف عرضه ارز عمدتاً از طریق صادرات نفت تأمین می‌شود و شوک‌های وارد بر بازار نفت به شدت بازار ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

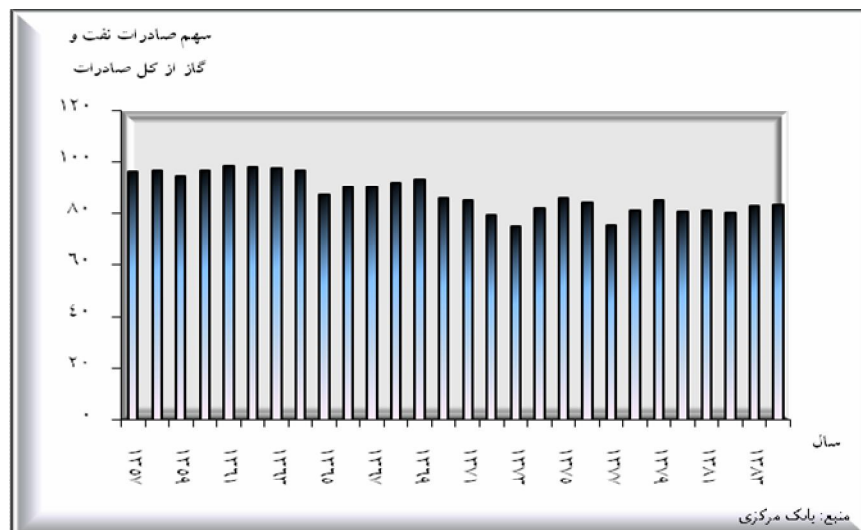
نکته دیگری که در اینجا باید توجه شود این است که تثبیت نرخ ارز در زمان‌های تورمی موجب می‌شود تا صادرکننده قیمت‌پذیر متضرر شود لذا تعدیل نرخ متناسب با تورم صادرکننده را جبران می‌کند. اما شرایط صادرات غیرنفتی ما در سال‌های گذشته حکایت از این دارد که نرخ‌های ارز در کشور ما نمی‌توانند در عکس‌العمل به شرایط عدم تعادل خصوصاً کسری‌های تجاری باعث شتاب صادرات و تعدیل آن به سمت رفع کسری‌ها شدند.

در طرف تقاضا نیز باید عوامل ذره‌ای حضور داشته باشند و کشش‌های تقاضای واردات منطقی و قابل ملاحظه باشند. انعطاف‌پذیری‌های تولید در حوزه صادرات و کشش‌پذیری تقاضای واردات هم طوری نیست که بتوان بار تعدیلات تعادل‌سازی برای تراز تجاری را تنها به دوش تعدیل عکس‌العمل و هوشمندانه نرخ ارز گذاشت. نیازهای نهاده‌ای، قطعات و مواد اولیه و ماشین‌آلات به عنوان نیازهای ضروری تولید کشور قابل ملاحظه و بالاست که معمولاً کشش تقاضای آنها در کشور پایین است و هنگام کاهش درآمدهای ارزی نمی‌توان از تعداد تقاضای آنها کاست زیرا تولید داخلی و حتی صادرات (که ارزبر است) با مشکل مواجه می‌شود.

بنابراین نمی‌توان گفت که در ایران نظام ارزی مطلوبی وجود دارد. حتی برخی معتقدند که در ایران ما نظام ارزی نداریم که به موقع نسبت به مقتضیات صادرات عکس‌العمل نشان دهد و به موقع به عوامل اقتصادی علامت بدهد. بازار ارز ایران به خاطر انحصاری بودن طرف عرضه آن بسیار سطحی و کم عمق است و لذا ثبات ارزی در چنین بازاری به آسانی تحقق نمی‌یابد. در نمودار (۳) مشاهده می‌شود که سهم اندکی از ارزآوری اقتصاد صادرات کشور مربوط

به صادرات غیر نفتی است و در حقیقت بخش عمده درآمدهای ارزی کشور از ناحیه صادرات نفت و گاز و یا فرآورده‌های آنها می‌باشد که این درآمدهای ارزی کشور را به شدت در معرض ریسک قرار می‌دهد و بنابراین برقراری نظام نرخ ارز شناور در چنین شرایطی تأمل برانگیز است.

نمودار ۳: سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات کشور (میلیون دلار)



در چنین بازاری نرخ ارز، خوب علامت نمی‌دهد و خوب نسبت به عدم تعادل‌های حساب‌های خارجی عکس‌العمل نشان نمی‌دهد. لذا می‌بایست به سمت ایجاد نظام ارزی و بازار رقابتی و عمیق حرکت کرد و انعطاف‌پذیری‌های تولید را بالا برد و از وابستگی‌های وارداتی و کم‌کشش بودن آن کاست تا بتوان با ایجاد نظام ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز را به آن سپرد.

۴- موانع شناور کردن نرخ ارز و بازارسازی در حوزه ارز

برخی صاحب‌نظران معتقدند که اگر نظام ارزی کشور شناور باشد نرخ ارز متناسب با مقتضیات تراز تجاری و رقابت‌پذیری اقتصاد در مواجهه با اقتصاد بین‌الملل تغییر می‌کند و این امر می‌تواند به صادرات کشور کمک کند. از طرفی مداخلات ارزی توسط دولت و مقامات پولی چه بسا با کارایی تخصیصی سازگار نباشد و تثبیت نرخ ارز براساس یک نرخ معین چه بسا براساس ملاحظات غیراقتصادی و غیر فنی انجام شود.

موانع اصلی تحقق این امر و استقرار نظام ارزی شناور، نبود نظام ارزی و بازار عمیق و رقابتی است. بنابراین باید زمینه‌ای فراهم کرد تا نهاد بازار در حوزه ارزهای خارجی شکل گیرد، عمق پیدا کند و از ویژگی ثبات برخوردار شود تا بتوان تعیین نرخ ارز را به آن سپرد. در شرایط کنونی اگر در وضعیت وفور ارزی باشیم شناور کردن ارز چه بسا قیمت آن را کاهش دهد و صادرات غیر نفتی را که هزینه‌های تولید آن متناسب با تورم رشد کرده اما دریافت ریالی صادرکنندگان به خاطر ثابت بودن نرخ ارز یا کاهش آن در مورد آزادسازی (در شرایط وفور) افزایش نیافته، شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همه مهمتر اینکه این امر شاید درآمدهای دولت را از ناحیه درآمد ارزی (که از حاصل ضرب مقدار ارز و نرخ ارز بودجه بدست می‌آید) محدود کند.

در مواقع کمبود ارز هم آزادسازی نرخ ارز موجب بی‌ثباتی آن شده و فعال شدن عوامل تأثیرگذار روانی و غیر اقتصادی در کنار عوامل اقتصادی، انتظارات تورمی را شعله‌ور می‌کند، نهادهای تولید را گران می‌کند و اقتصاد را بی‌ثبات می‌کند.

ناسازگاری بخش‌های کلان اقتصادی و عدم توازن موجود میان آنها نیز مانع شناورسازی نرخ ارز است. در شرایط کنونی همان طور که متذکر شدیم مقتضیات صادرات غیرنفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است. البته همان طور که قبلاً هم خاطرنشان کردیم وضعیت صادرات غیرنفتی ما به لحاظ منحنی رقابت‌پذیری، کیفیت و نوع باید ارتقاء پیدا کند و تنها پس از آن، افزایش نرخ ارز می‌تواند موجب تسریع و ارتقاء صادرات مذکور شود.

۵- سند چشم‌انداز و ایجاد نظام ارزی

ما در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور روی رقابت‌پذیری، ارتقاء تکنولوژی و رفتن به سمت تولیدات دانش‌محور تأکید کرده‌ایم. اگر در این زمینه بتوانیم اهداف تأکید شده در این سند را محقق سازیم صادرات غیرنفتی ما متنوع و گسترده‌تر شده و شتاب خواهد گرفت و اگر وابستگی دولت به نفت هم کاهش یابد در این صورت با داشتن چندین منشأ ارزآوری عمده و انعطاف‌پذیری و رقابت‌پذیری تولید صادراتی، زمینه را برای ایجاد یک نظام ارزی و یک بازار عمیق و رقابتی ارز فراهم کرده‌ایم، اما در حال حاضر صادرات غیرنفتی از رشد متناظر با الزامات سند چشم‌انداز برخوردار نیست، از تولید دانش‌محور هنوز خبری نیست و نیازها و وابستگی دولت به ارز نفتی نیز روزبه‌روز در حال افزایش است. بنابراین با این عملکرد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی باثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود.

۶- سند چشم‌انداز و شناورسازی ارز

مسلماً علامت‌دهی قیمت‌ها در بازارهای عمیق و رقابتی برای اقتصاد یک امتیاز محسوب می‌شود. اگر بتوان یک نظام ارزی باثبات ایجاد کرد که در آن قیمت ارز در عمق بازار ارز تعیین می‌شود، در آن صورت حتماً صادرات را ارتقاء داده‌ایم، تنوع آن را زیاد کرده‌ایم و رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح بین‌الملل را تأمین کرده‌ایم. در آن صورت با شناور کردن نرخ ارز، نرخ مذکور حالت تثبیت‌کننده و تصحیح‌کننده خودکار به خود می‌گیرد و به موقع در مقابل اختلال‌ها و عدم تعادل‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد و به عنوان علامت‌دهنده کارا به تخصیص صحیح منابع کمک می‌کند. ما اگر موفق شویم نظام ارزی عمیق و باثبات ایجاد کنیم می‌توانیم از مزایای نظام ارز شناور هم استفاده کنیم. مسلماً در چنین وضعیتی نرخ ارز در عکس‌العمل به شرایط صادرات عکس‌العمل نشان می‌دهد و همچنین به صادرات علامت صحیح می‌دهد. بنابراین شناورسازی ارز در سند چشم‌انداز منوط و مشروط به ایجاد نظام ارزی مناسب و ایجاد نظام ارزی مناسب خود به شرایط فنی، اجتماعی، نهادی و اقتصادی فوق‌الذکر بستگی دارد. اما با روند فعلی به نظر می‌رسد که چنین مهمی به تحقق و عینیت یافتن نزدیک نباشد.

۷- تأمین رقابت‌پذیری بین‌المللی در اقتصاد کشور با علامت‌دهی نرخ ارز

باید توجه داشت که رها کردن قیمت در هر شرایطی به نظام قیمتی علامت‌دهنده کارا منجر نمی‌شود. علامت‌دهی قیمت مشروط و منوط است به فراهم بودن شرایط فنی و اقتصادی تولید و وجود تعامل صحیح و منطقی میان قیمت و شرایط حقیقی تولید. در مورد نرخ ارز وضعیت همین طور است، یعنی باید شرایط فنی تولید صادراتی را بهبود بخشید، کالاهای صادراتی را متنوع کرد، کیفیت آن را ارتقاء داد و با ایجاد نظام ارزی، زمینه تعامل منطقی میان علامت‌دهی نرخ ارز و رقابت‌پذیری اقتصاد کشور یا تعامل میان علامت‌دهی نرخ ارز و رشد و شتاب صادرات غیر نفتی را فراهم نمود. وضعیتی که در آن نرخ ارز و کیفیت و کمیت صادرات با هم تعامل می‌کنند یک وضعیت مطلوب است و اثر و نشان تحقق شرایط مادی، فنی، نهادی و اقتصادی تولید و صادرات در اقتصاد است.

۸- جمع بندی و نتیجه گیری

نظام‌های ارزی در کل بر دو نوع‌اند: نظام ارزی شناور و نظام ارزی ثابت. البته طیفی از ترکیب‌ها نیز وجود دارد مثل نظام شناور مدیریت شده و شناور تعدیل شده که این دو نظام ارزی در میان اقتصاددانان ایران هم طرفداران خود را دارد. طرفداران نظام ارزی شناور معتقدند که اگر ارز متناسب با مقتضیات تراز تجاری و رقابت‌پذیری اقتصاد در مواجهه با اقتصاد بین‌الملل تغییر کند تاثیر بسیار مثبتی بر صادرات کشور خواهد داشت.

منتقدان نظام ارز شناور بر این باورند که نظام ارزی ما نمی‌تواند به موقع نسبت به مقتضیات صادرات عکس‌العمل نشان دهد و به موقع به عوامل اقتصادی علامت بدهد. در این شرایط احاله تعیین نرخ ارز به سازوکار بازار چه بسا به نرخ‌های ارز نوسانی و بی‌ثبات منجر شود. بنابراین برقراری نظام ارز شناور در چنین شرایطی تأمل برانگیز است. تغییرات نرخ ارز در ایران نشان می‌دهد که نرخ ارز در ایران به روش شناور مدیریت شده تعیین نگردیده است. یعنی این سازوکار بازار ارز نبوده است که نرخ ارز را تعیین کرده باشد و بانک مرکزی هم آن را تا حدی مدیریت کرده باشد و از بی‌ثباتی آن جلوگیری کند بلکه تغییرات نرخ ارز در ایران بیشتر از یک الگوی تثبیتی تبعیت کرده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که:

- ۱- ارتباط مثبتی بین تغییرات نرخ ارز با تغییرات تورم در ایران وجود دارد.
- ۲- در شرایط کنونی مقتضیات صادرات غیر نفتی با افزایش نرخ ارز سازگار است. اما مازاد ارزی در حساب‌های بانک مرکزی و بانک‌ها مقتضی کاهش نرخ ارز است.
- ۳- باروند فعلی اقتصاد نمی‌توان به ایجاد و شکل‌گیری یک نظام ارزی با ثبات در اقتصاد ایران امیدوار بود.

منابع و مآخذ

- ۱- شاکری، عباس (۱۳۸۱)، اثر تک نرخي کردن ارز بر متغيرهای کلان، مرکز پژوهشهای مجلس.
- ۲- شاکری، عباس (۱۳۸۲)، *اقتصاد کلان*، جلد اول.
- ۳- شاکری، عباس (۱۳۷۷)، "وضعیت بازار ارز در اقتصاد ایران"، فصلنامه مفید.

سایت

- ۱- سایت بانک مرکزی

نقاط قوت و ضعف سیاست ثبات نسبی نرخ ارز و تخصیص جوایز صادراتی

۱- مقدمه

در دهه اخیر که درآمدهای نفتی رو به افزایش گذاشته و ذخایر ارزی کشور (در بانک مرکزی، بانک‌ها و صندوق ذخیره ارزی) افزایش یافته است نرخ ارز در اقتصاد کشور بسیار کند تغییر کرده یا تقریباً ثابت بوده است. در سال‌های اخیر بانک مرکزی نتوانسته همه ارزشهای بودجه را بفروشد و به همین خاطر پایه پولی سیلان پیدا کرده است. از طرفی وابستگی درآمدی دولت به درآمد ارزی نفت باعث شده است که با وجود مازاد ارزی نرخ آن کاهش نیابد.

اما، وقتی نرخ ارز از طرف مقامات بانک مرکزی به نوعی تثبیت می‌شود، توقع صادرکنندگان این است که نرخ ارز سالانه به اندازه تورم یا به اندازه تفاوت تورم داخلی و متوسط تورم کشورهای خریدار صادرات ما، افزایش یابد تا صادرات سودآوری گذشته خود را حفظ کند، زیرا عمده‌تأ قیمت کالاهای صادراتی ما در بازارهای جهانی تعیین می‌شود و برای صادرکنندگان ما برون‌زا محسوب می‌شود؛ مسلماً وقتی تورم در اقتصاد کشور قابل ملاحظه باشد عایدات صادرکنندگان در صورت ثابت بودن نرخ ارز کاهش می‌یابد.

حفظ سودآوری صادرکنندگان اقتضاء می‌کند که نرخ ارز متناسب با تفاوت تورم داخل و خارج افزایش یابد اما یک مانع وجود دارد و آن این است که ارزشهای صادراتی نفتی و غیرنفتی در نرخ‌های موجود نیز به آسانی فروخته نمی‌شوند و بخشی از آنها در بانک مرکزی ذخیره شده است. بنابراین در اینجا باید نقاط قوت و ضعف ثبات نسبی نرخ ارز و تخصیص جایزه صادراتی را به عنوان یک سیاست جایگزین مورد بررسی قرار دهیم.

۲- نظام نرخ ارز ثابت

نظام نرخ ارز ثابت بطور دقیق بر سازوکارهای بازاری مبتنی است و با تعدیل عرضه و تقاضای ارز، نرخ ثابت هدف حفظ می‌شود، یعنی وقتی نرخ ارز تمایل به افزایش دارد بانک مرکزی ارز خارجی عرضه می‌کند تا قیمت آن ثابت بماند و اگر نرخ ارز تمایل به کاهش داشته باشد بانک مرکزی با خرید ارز از بازار اقدام به تثبیت نرخ ارز مورد نظر خود می‌کند. بنابراین حفظ دستوری یک نرخ معین، نظام نرخ ارز ثابت محسوب نمی‌شود. نظام نرخ ارز ثابت همانند نظام نرخ ارز شناور در صورتی امکان تحقیق دارد که اقتصاد کشور دارای نظام ارزی باشد.

۲-۱- مزایای نظام نرخ ارز ثابت

به طور کلی مزایای نظام نرخ ارز ثابت عبارت است از:

۲-۱-۱- کاهش نااطمینانی نوسانات نرخ ارز و کاهش ریسک قراردادهای و انتقال سرمایه

نرخ ارز ثابت، نااطمینانی مربوط به تغییرات و نوسانات نرخ ارز را کاهش می‌دهد و بنابراین هزینه ریسک قراردادهای (که در آنها بین زمان تحویل کالا و پرداخت یا بالعکس فاصله زیادی وجود دارد) و هزینه ریسک انتقال سرمایه را کاهش می‌دهد. برای مثال وقتی قرار است قیمت کالا از الان مشخص شود اما نرخ ارز نامشخص است، صادرکننده کالا نمی‌تواند بطور دقیق عایدات فروش صادراتی خود برحسب پول ملی را محاسبه کند. لذا با ریسک نوسان نرخ ارز و نوسان درآمد فروش مواجه می‌شود. همچنین خریدار اوراق قرضه ملی در خارج وقتی نرخ ارز بی‌ثبات و نوسانی باشد با هزینه ریسک مواجه می‌شود و بنابراین از خرید اوراق قرضه کشور اجتناب نموده یا تنها در ازاء دریافت سود و بهره بالاتر اوراق ما را ابتیاع می‌کند.

انتشار سهام بنگاه‌های داخلی در سطح بین‌المللی نیز در صورت نوسانی بودن نرخ ارز و بی‌ثباتی آن با مشکل عمده مواجه می‌شود. این کار با ریسک بالایی همراه است که متوجه کشور فروشنده سهام است، زیرا وقتی ما نسبت به ثبات نرخ ارز خود مطمئن نیستیم و سهام بنگاه‌های خود را به خارجی‌ها می‌فروشیم، اگر در آینده نرخ ارز ما به صورت مستمر رو به افزایش گذاشته و بی‌ثبات شود، آنها احساس می‌کنند که عایدی و سود سهام خریداری شده از ما در معرض کاهش است و لذا سعی می‌کنند سهام ما (یا حتی اوراق قرضه ما) را در بازارهای بین‌المللی برای فروش عرضه کنند. عرضه سهام (خصوصاً اگر خریداران خارجی سهم زیادی در اختیار داشته باشند) از یک سو قیمت سهام را کاهش داده و از سوی دیگر تقاضای پول‌های خارجی را افزایش می‌دهد و به دنبال آن ارزهای خارجی گران‌تر می‌شود که این انگیزه سهام‌داران خارجی را برای عرضه بیشتر سهام کشور افزایش می‌دهد و اقتصاد ما را در مارپیچ افزایش نرخ ارز و کاهش قیمت سهام قرار می‌دهد. بحران مالی کشورهای آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۷ دقیقاً این‌گونه بود.

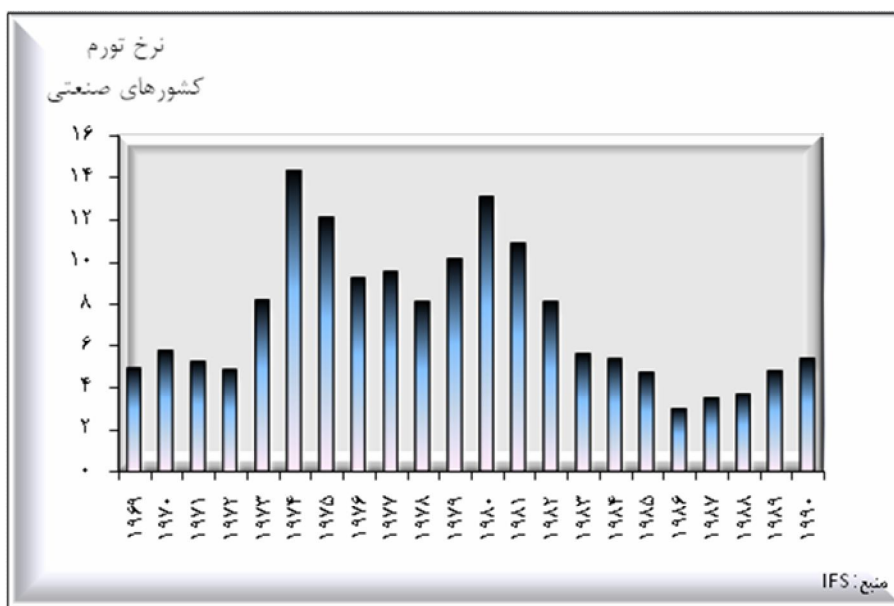
بنابراین تثبیت نرخ ارز با سازوکارهای بازاری، نااطمینانی‌های فوق‌الذکر را کاهش می‌دهد و هزینه ریسک‌ها را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و در نتیجه، عقد قراردادهای و نقل و انتقال سرمایه از طریق سهام و اوراق قرضه و تصمیم‌گیری‌ها در این خصوص را تسهیل می‌کند. این در حالی است که کشور هر سال تورم دو رقمی را تجربه می‌کند که برای صادرات ما بسیار مشکل‌زاست.

۲-۱-۲- نظام نرخ ارز ثابت و تورم‌های پایین‌تر

گفته شده است که نظام نرخ ارز ثابت در مقایسه با نظام نرخ ارز شناور با تورم‌های پایین‌تری همراه است. شاید یک دلیل آن این باشد که نظام نرخ ارز ثابت، سیاست‌های پولی را از کار می‌اندازد. زیرا وقتی کشوری سیاست پولی انبساطی اعمال می‌کند به دلیل افزایش نرخ تورم، با کسری تجاری مواجه شده و بنابراین نرخ ارزهای خارجی تمایل به

افزایش پیدا می‌کند و بانک مرکزی آن کشور برای ثابت نگه‌داشتن نرخ‌های ارز مجبور می‌شود ارزهای خارجی به بازار عرضه کند و در ازاء آن پول جمع‌آوری کند که این خود موجب می‌شود پول‌های انتشار یافته در قالب سیاست پولی، از طریق فروش ارز جهت تنظیم و تثبیت ارزی به بانک مرکزی باز گردد. لذا در دهه ۱۹۵۰ و نیمه اول دهه ۱۹۶۰ که مقارن با اجرای نظام برتن وودز بود سطح قیمت‌ها در کشورهای پیشرفته بسیار آرام و باثبات بود. همانطور که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود قبل از سال ۱۹۷۳ که نظام نرخ ارز کشورهای صنعتی ثابت بوده است نسبت به بعد از سال ۱۹۷۳ نرخ‌های تورم در سطح پایین‌تری قرار داشته ضمن آنکه نوسانات کمتری نیز داشته‌اند.

نمودار ۱: نرخ تورم کشورهای صنعتی (درصد)



از سوی دیگر در کشورهایی که تورم قابل ملاحظه را تجربه می‌کنند و ارز خارجی در مواقع تنگنای ارزی در دام فعالیت‌های شدیداً سوداگرانه گرفتار می‌شود، تغییرات نرخ ارز نیروی محرکه انتظارات تورمی در اقتصاد محسوب می‌شود و بنابراین بی‌ثباتی‌های ارزی موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها و حتی بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود. لذا در چنین اقتصادهایی نظام نرخ ارز ثابت موجب مهار شتاب تورم و نوسانات قیمتی می‌شود.

در اقتصاد ایران نیز ما در سال‌های اجرای برنامه‌های اول تا سوم این رابطه را تجربه کردیم. در این سال‌ها بخاطر پایین بودن صادرات غیرنفتی و قیمت نفت، درآمدهای ارزی کشور بسیار محدود بود. بازپرداخت بدهی‌های خارجی هم بخشی از ارزهای صادراتی را به خود اختصاص می‌داد. بنابراین کمبود ارزهای خارجی در اقتصاد خودنمایی می‌کرد و نرخ‌های ارز تمایل به افزایش شتابان داشتند و با افزایش خود انتظارات تورمی را تحریک کرده و تورم را افزایش می‌دادند. لذا تثبیت‌های ارزی قدری از شتاب تورم می‌کاست. به عنوان مثال در ابتدای سال ۱۳۷۴ که نرخ ارز شدیداً جهش می‌کند و با وجودی که در تابستان همین سال نرخ ارز تثبیت می‌شود و نرخ رشد نقدینگی حدود ۳۶ درصد است، کشور تورم خرده‌فروشی ۴۹/۶ درصد و تورم عمده‌فروشی ۶۰ درصدی را تجربه می‌کند. اما در سال ۱۳۷۵ که نرخ ارز تثبیت شده است و مسئولان با تأکید بر تداوم تثبیت آن، اثر تحریک‌کننده انتظارات را از آن می‌گیرند با وجود

نرخ رشد نقدینگی حدود ۳۷ درصد تورم ۲۰٪ کاهش می‌یابد. جدول (۱) آمار مربوط به نقدینگی، نرخ ارز و نرخ تورم را برای سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۸ نشان می‌دهد.

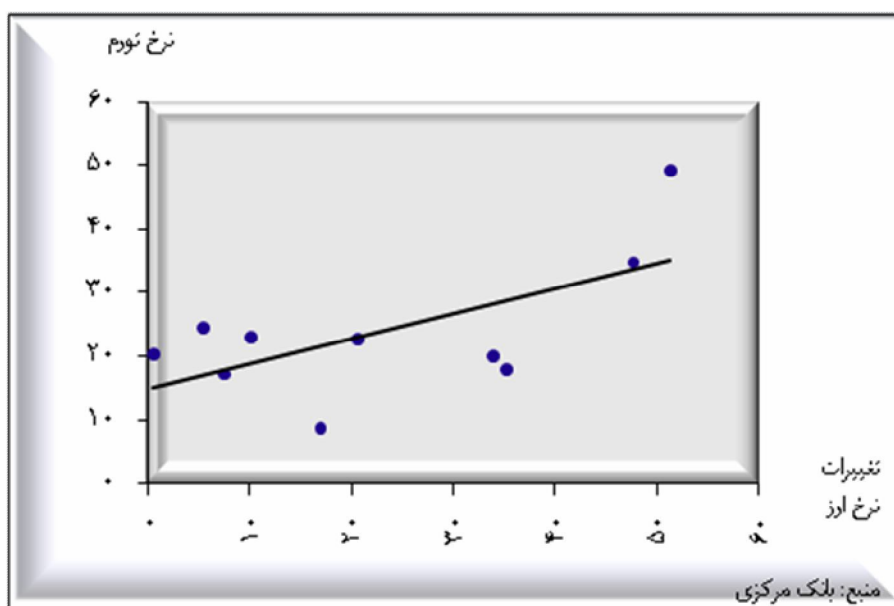
جدول ۱: نقدینگی، نرخ ارز و تورم طی سال‌های ۷۸-۱۳۶۹

سال	نقدینگی	رشد نقدینگی (درصد)	نرخ ارز (ریال)	تغییرات نرخ ارز (درصد)	تورم (درصد)
۱۳۶۹	۲۲۹۶۹,۵	۲۲,۵	۱۴۱۲	۱۷,۰	۸,۸
۱۳۷۰	۲۸۶۲۸,۴	۲۴,۶	۱۴۲۰	۰,۶	۲۰,۴
۱۳۷۱	۳۵۸۶۶,۰	۲۵,۳	۱۴۹۸	۵,۵	۲۴,۶
۱۳۷۲	۴۸۱۳۵,۰	۳۴,۲	۱۸۰۶	۲۰,۶	۲۲,۹
۱۳۷۳	۶۱۸۴۳,۹	۲۸,۵	۲۶۶۷	۴۷,۷	۳۵,۰
۱۳۷۴	۸۵۰۷۲,۲	۳۷,۶	۴۰۳۶	۵۱,۳	۴۹,۵
۱۳۷۵	۱۱۶۵۵۲,۶	۳۷,۰	۴۴۴۶	۱۰,۲	۲۳,۱
۱۳۷۶	۱۳۴۲۸۶,۳	۱۵,۲	۴۷۸۲	۷,۶	۱۷,۴
۱۳۷۷	۱۶۰۴۰۱,۵	۱۹,۴	۶۴۶۸	۳۵,۳	۱۸,۱
۱۳۷۸	۱۹۲۶۸۹,۲	۲۰,۱	۸۶۵۸	۳۳,۹	۲۰,۱

منبع: بانک مرکزی

نمودار (۲) به خوبی رابطه مثبت بین تغییرات نرخ ارز و نرخ تورم طی سال‌های ۷۸-۱۳۶۹ را نشان می‌دهد. طی این سال‌ها افزایش نرخ ارز و تأثیر آن بر انتظارات تورمی یکی از عوامل اصلی افزایش نرخ تورم بوده است.

نمودار ۲: رابطه تغییرات نرخ ارز و نرخ تورم طی سال‌های ۷۸-۱۳۶۹



۲-۲- معایب نظام نرخ ارز ثابت

اما این نظام ارزی معایبی هم دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۲-۲-۱- درونزا نمودن عرضه پول

نرخ ارز ثابت، بخشی از عرضه پول را درونزا و منفعل می‌سازد ضمن اینکه نظام نرخ ارز ثابت، سیاست‌های پولی را عقیم می‌سازد و موجب ثبات قیمت‌ها می‌شود، زیرا بانک مرکزی در مواجهه با تمایل به افزایش یا کاهش قیمت ارزهای خارجی، باید ارز خارجی عرضه کند یا خریداری کند و در ازاء پول بگیرد یا بدهد که این از طریق تغییر طرف دارایی‌های بانک مرکزی موجب تغییر پایه پولی می‌گردد. بنابراین در نظام نرخ ارز ثابت، به خاطر جلوگیری از نوسانات نرخ ارز بخشی از عرضه پول درونزا می‌گردد. در اقتصاد ایران ما به مفهوم دقیق کلمه نظام ارزی نداریم، چه ثابت و چه شناور، اما تثبیت نرخ ارز موجب شده است که از سال ۱۳۷۸ به بعد پایه پولی و نقدینگی از محل ارزهای فروش رفته بانک مرکزی به شدت افزایش یابد.

۲-۲-۲- درونزا نمودن ذخایر ارزی بانک مرکزی

وقتی قرار است بانک مرکزی از نرخ ارز معینی حمایت کند باید در مواقع مازاد تقاضا (در نرخ ارز هدف مورد نظر) ذخایر ارزی عرضه کند و در موقع مازاد عرضه ارز، ارزها را خریداری کند که این امر باعث درونزایی ذخایر ارزی بانک مرکزی می‌گردد. بایستی توجه داشت که اساساً کشورهایی که در معرض افت رقابت‌پذیری قرار دارند آنقدر ذخایر ندارند که بتوانند با عرضه مستمر ذخایر از تمایل به افزایش نرخ ارز جلوگیری کنند. تجربه کشور ما نیز نشان می‌دهد که در مواقع تنگنای ارزی ذخایر ارزی بانک مرکزی به شدت کاهش می‌یابد و حفظ نرخ موجود بسیار مشکل می‌شود. در مواقع وفور ارز نیز ذخایر مذکور انباشت می‌شود و پایه پولی و نقدینگی را بی‌ثبات می‌سازد.

۲-۲-۳- انباشت انحراف تعادل‌ها

در نظام نرخ ارز ثابت تغییرات نرخ ارز به دفعات کمتر اما به مقدار بیشتری صورت می‌گیرد و این خود می‌تواند تبعات منفی در پی داشته باشد. در این نظام ارزی به دلیل ثبات نرخ ارز انحراف در تعادل حساب‌های خارجی بیشتر انباشت می‌شود تا در نظام نرخ ارز شناور. البته این مشکل بیشتر در مورد اقتصادهای رقابتی و پیشرفته خود را نشان می‌دهد زیرا تثبیت یک قیمت کلیدی در اقتصادی که همه بخش‌ها با هم تعامل درونزا دارند، سایر بخش‌های دیگر را هم دچار اختلال می‌کند و موجب بروز عدم تعادل می‌شود.

۲-۲-۴- انتقال شوک‌های خارجی به داخل کشور

در نظام نرخ ارز ثابت وقتی کشوری با تورم و کاهش رقابت‌پذیری مواجه می‌شود، ارزش پول ملی آن کشور در داخل و در کشورهای دیگر به عنوان یک ارز خارجی تمایل به تضعیف و کاهش قیمت خواهد داشت. بانک‌های مرکزی این

کشورها برای تثبیت نرخ ارز آن کشور بی‌ثبات، ارزهای خارجی را از مردم می‌خرند و به آنها پول می‌دهند که این امر موجب افزایش نقدینگی و تورم در کشورهای طرف تجاری کشور مذکور خواهد شد.

۲-۵-۲- مداخله زیاد مقامات پولی

در نظام نرخ ارز ثابت بانک مرکزی باید همه سعی خود را در جهت تنظیم نرخ ارز مبذول دارد. بنابراین دولت و بانک مرکزی از سیاست‌های اقتصاد ملی باز می‌مانند و یا اساساً تنظیم نرخ ارز و تثبیت آن ابزارهای سیاستی دولت برای اهداف دیگر اقتصاد ملی را بی‌تأثیر می‌کند. برای مثال زمانی که بانک مرکزی در راستای اهداف اقتصاد ملی اقدام به اعمال سیاست پولی انبساطی می‌کند، نرخ تورم افزایش یافته که این رقابت‌پذیری کشور را کاهش داده و نرخ ارز تمایل به افزایش پیدا نموده و بانک مرکزی برای جلوگیری از این افزایش اقدام به عرضه ارز و جمع‌آوری پول می‌نماید که این سیاست پولی انبساطی را عملاً خنثی می‌نماید.

۳- مزیت‌ها و معایب نرخ ارز ثابت در اقتصاد ایران

همان‌طور که در ابتدا متذکر شدیم در مورد اینکه اساساً در اقتصاد ایران نظام ارزی وجود دارد یا نه اختلاف نظر وجود دارد عده‌ای معتقدند ما نظام ارزی داریم و متصدیان پولی کشور در سال‌های گذشته معتقدند نظام ارزی ما شناور مدیریت شده است اما در مقابل عده‌ای معتقدند که داشتن نظام ارزی منوط به وجود بازار ارز رقابتی و عمیق است و از آنجا که در طرف عرضه ارز عمدتاً دولت ارزهای نفتی را عرضه می‌کند و اندازه آن تابع قیمت نفت و مسائل بین‌المللی است ما بازار رقابتی و عمیق ارز نداریم.

اگر با مسامحه بپذیریم که ما نظام ارزی داریم می‌توان گفت که مزیت نرخ ارز ثابت نسبت به شناور این است که در مواقع کمبود ارز (در مواقع کاهش قیمت‌های نفت) از بی‌ثباتی نرخ ارز و تورم جلوگیری می‌شود و از دامنه فعالیت‌های سوداگرانه ارزی می‌کاهد. در مقابل تثبیت نرخ ارز چون هوشمند نیست ممکن است در شرایط تورمی صادرات غیرنفتی را محدود کند. اما باید توجه داشت که تا وقتی اقتصاد رقابتی نشود و بازار ارز عمیق و رقابتی شکل نگیرد، نرخ ارز به عنوان یک قیمت کلیدی نمی‌تواند خوب علامت‌دهی کند. اگر بازار ارز رقابتی بود و اقتصاد کشور رقابتی بود مقتضیات همه بخش‌ها نسبت به تغییر نرخ ارز در یک جهت و در یک اندازه بود اما وقتی وضعیت اینگونه نباشد تثبیت آن صادرات را با مشکل مواجه می‌کند و واردات را ارزان می‌سازد اما تولید را با مشکل مواجه می‌کند.

زمانی که ما ارز محدود در اختیار داریم اگر با تثبیت همه آن صرف ضرورت‌های تولیدی (مثل سرمایه‌گذاری در محصولات با تکنولوژی بالا، نهاده‌ها، کالاهای واسطه‌ای، قطعات) شود امر مطلوبی است اما اگر ارز را در قیمتی تثبیت کنیم که واردات همه کالاهایی که در داخل تولید می‌شود به صرفه شود (مثل شرایط کنونی)، زبان‌های بسیار زیادی بر آن مترتب خواهد شد.

۴- آیا می‌توان مبنای تعیین نرخ ارز را صرفاً ارتقاء صادرات غیرنفتی قرار داد؟

اولاً باید مفهوم و حوزه عمل صادرات غیرنفتی را مشخص کنیم. صادرات نفتی موجود ما به عنوان یک واقعیت یک مقوله است و صادرات غیرنفتی که برای رشد شتابان اقتصاد کشور لازم است مقوله‌ای دیگر. صادرات از مقوله دوم صرفاً با تغییرات نرخ ارز محقق نمی‌شود. همان‌طور که تجارب گذشته ما نشان می‌دهد از ابتدای برنامه اول تا کنون نرخ ارز بسیار تغییر کرده است اما صادرات غیرنفتی تغییر قابل ملاحظه‌ای که به شتاب آن منجر شود، نیافته است. جدول (۲) آمار مربوط به صادرات و نرخ ارز را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که برای تمامی سال‌ها بخش عمده صادرات مربوط به صادرات نفت و گاز بوده است و ضمن افزایش قابل توجه نرخ ارز صادرات غیرنفتی افزایش قابل ملاحظه و پرشتابی نداشته است. البته بایستی توجه داشت بخش عمده از رشد صادرات غیرنفتی نیز به واسطه رشد صنایع مرتبط با نفت و گاز از جمله پتروشیمی می‌باشد.

جدول ۲: نرخ ارز و صادرات طی سال‌های ۸۴-۱۳۶۸

سال	نرخ ارز (ریال)	صادرات (میلیون دلار)	صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)	صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)
۱۳۶۸	۱۲۰۷	۱۳۰۸۱	۱۲۰۳۷	۱۰۴۴
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۱۹۳۰۵	۱۷۹۹۳	۱۳۱۲
۱۳۷۰	۱۴۲۰	۱۸۶۶۱	۱۶۰۱۲	۲۶۴۹
۱۳۷۱	۱۴۹۸	۱۹۸۶۸	۱۶۸۸۰	۲۹۸۸
۱۳۷۲	۱۸۰۶	۱۸۰۸۰	۱۴۳۳۳	۳۷۴۷
۱۳۷۳	۲۶۶۷	۱۹۴۳۴	۱۴۶۰۳	۴۸۳۱
۱۳۷۴	۴۰۳۶	۱۸۴۶۰	۱۵۱۰۳	۳۲۵۷
۱۳۷۵	۴۴۴۶	۲۲۳۹۱	۱۹۲۷۱	۳۱۲۰
۱۳۷۶	۴۷۸۲	۱۸۳۸۱	۱۵۴۷۱	۲۹۱۰
۱۳۷۷	۶۴۶۸	۱۳۱۱۸	۹۹۳۳	۳۱۸۵
۱۳۷۸	۸۶۵۸	۲۱۰۳۰	۱۷۰۸۹	۳۹۴۱
۱۳۷۹	۸۱۸۸	۲۸۴۶۱	۲۴۲۸۰	۴۱۸۱
۱۳۸۰	۸۰۰۸	۲۳۹۰۴	۱۹۳۳۹	۴۵۶۵
۱۳۸۱	۸۰۱۹	۲۸۲۳۷	۲۲۹۶۶	۵۲۷۱
۱۳۸۲	۸۳۲۳	۳۳۹۹۱	۲۷۳۵۵	۶۶۳۶
۱۳۸۳	۸۷۴۷	۴۳۸۵۲	۳۶۳۱۵	۷۵۳۷
۱۳۸۴	۹۰۴۲	۶۴۳۶۶	۵۳۸۲۰	۱۰۵۴۶

منبع: بانک مرکزی

این جایگاه صادراتی با تولید دانش‌محور، اهتمام به تحقق استانداردهای کیفی، مدیریت کارآمد تولید، انضباط مالی و کارایی بنگاه‌ها و وجود بسترهای نهادی و سرمایه‌های اجتماعی (قوانین و مقررات مناسب، دستگاه قضایی حساس نسبت به اقتصاد و ...) و بطور کلی در درون اقتصاد مولد و نه صرفاً با تغییر نرخ ارز ارتقاء می‌یابد. البته تغییر نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار اهمیت خود را دارد، بطوری که اگر عوامل حقیقی فوق‌الذکر محقق شود اما عامل قیمت (نرخ ارز) همراهی نکند مسلماً شتاب صادرات یا محقق نمی‌شود یا محدود خواهد شد.

اما صادرات موجود نیز جایگاه خاص خود را دارد و سکوی پرش صادرات شتابان (اگر تحقق یابد) همین وضعیت موجود است. مسلماً تثبیت نرخ ارز با وجود تورم همه ساله در اقتصاد صادرات موجود را هم تهدید می‌کند، اما اینکه آیا مبنای نرخ ارز را مقتضیات صادرات و شرایط آن قرار دهیم یا نه موضوعی است که باید عمیق‌تر تحلیل شود. قیمت ارز در شرایط کنونی برای فروش صادرات غیرنفتی مناسب نیست اما برای همین صادرات از ناحیه مصرف نهاده‌ها و ارزیابی آنها شاید بد نباشد و چه بسا برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاری‌های مولد گران هم باشد.

جدول ۳: ترکیب واردات و ارزیابی تولید

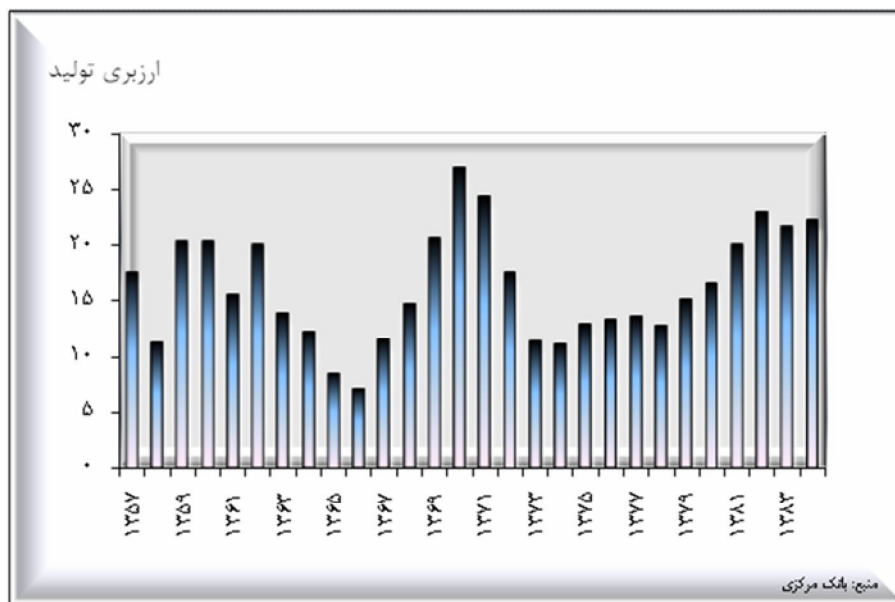
سال	واردات	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (M1)	کالاهای سرمایه‌ای (M2)	(M1+M2) به کل واردات	(M1+M2) به GDP
۱۳۵۷	۱۰۳۷۲	۵۳۵۰	۲۹۰۸	۷۹,۶	۱۷,۵
۱۳۵۸	۹۶۹۵	۵۳۰۱	۱۸۳۵	۷۳,۶	۱۱,۱
۱۳۵۹	۱۰۸۴۴	۶۲۰۷	۱۷۳۸	۷۳,۳	۲۰,۳
۱۳۶۰	۱۳۵۱۵	۸۲۲۵	۲۱۴۹	۷۶,۸	۲۰,۲
۱۳۶۱	۱۱۸۴۵	۶۸۶۱	۲۳۰۸	۷۷,۴	۱۵,۴
۱۳۶۲	۱۸۱۰۳	۱۰۸۴۰	۴۳۵۲	۸۳,۹	۲۰,۰
۱۳۶۳	۱۴۴۹۴	۸۳۱۰	۳۸۶۷	۸۴,۰	۱۳,۸
۱۳۶۴	۱۱۴۰۸	۷۴۱۱	۲۴۲۱	۸۶,۲	۱۲,۱
۱۳۶۵	۹۳۵۵	۵۴۶۱	۲۱۹۹	۸۱,۹	۸,۴
۱۳۶۶	۹۳۶۹	۵۴۹۸	۲۲۰۹	۸۲,۳	۷,۰
۱۳۶۷	۸۱۷۷	۴۸۲۹	۱۸۶۹	۸۱,۹	۱۱,۴
۱۳۶۸	۱۲۸۰۷	۷۵۴۸	۲۹۱۵	۸۱,۷	۱۴,۶
۱۳۶۹	۱۸۷۲۲	۱۱۸۵۴	۴۳۶۳	۸۶,۶	۲۰,۵
۱۳۷۰	۲۹۶۷۷	۱۶۳۳۵	۹۹۱۱	۸۸,۴	۲۶,۹
۱۳۷۱	۲۹۸۷۰	۱۸۱۹۵	۸۲۱۲	۸۸,۴	۲۴,۳
۱۳۷۲	۲۰۰۳۷	۱۲۵۶۷	۵۰۸۵	۸۸,۱	۱۷,۵
۱۳۷۳	۱۱۷۹۵	۷۴۸۵	۲۷۷۱	۸۷,۰	۱۱,۲
۱۳۷۴	۱۲۳۱۳	۸۵۲۴	۱۸۶۰	۸۴,۳	۱۰,۹
۱۳۷۵	۱۵۱۱۷	۹۱۱۵	۳۸۰۷	۸۵,۵	۱۲,۸
۱۳۷۶	۱۴۱۹۶	۷۵۲۴	۴۶۶۱	۸۵,۸	۱۳,۲
۱۳۷۷	۱۴۳۲۳	۶۳۱۰	۶۰۰۲	۸۶,۰	۱۳,۵
۱۳۷۸	۱۲۶۸۳	۶۲۲۵	۴۵۱۰	۸۴,۶	۱۲,۷
۱۳۷۹	۱۴۳۴۷	۷۴۰۲	۴۸۳۴	۸۵,۳	۱۵,۰
۱۳۸۰	۱۷۶۲۶	۸۲۲۸	۷۱۲۷	۸۷,۱	۱۶,۵
۱۳۸۱	۲۲۲۷۵	۹۷۶۶	۹۶۶۸	۸۷,۲	۲۰,۰
۱۳۸۲	۲۶۵۹۸	۱۲۱۸۷	۱۱۲۲۶	۸۸,۰	۲۲,۹
۱۳۸۳	۳۵۳۸۹	۱۶۸۹۸	۱۲۱۰۵	۸۲,۰	۲۱,۶
۱۳۸۴	۳۹۳۴۸	۲۵۴۲۳	۹۲۲۱	۸۸,۳	۲۲,۲

منبع: بانک مرکزی

در جدول (۳) ملاحظه می‌شود بخش عمده واردات کشور مربوط به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌باشد و از طرفی نسبت واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید ناخالص داخلی، GDP ، که در حقیقت ارزیابی تولید را نشان می‌دهد، مقدار قابل توجهی می‌باشد که این نشان از وابستگی تولید کشور به واردات دارد.

نمودار (۳) که در حقیقت ارزبری تولید کشور طی سال‌های مختلف را نشان می‌دهد بیانگر این است که از سال ۱۳۷۲ همواره ارزبری تولید کشور افزایش یافته است.

نمودار (۳) ارزبری تولید طی سال‌های مختلف



بنابراین نرخ ارز فعلی و یا افزایش نرخ ارز می‌تواند برای تولیدکنندگان ناخوشایند بوده و چه بسا صادرات غیرنفتی کشور را به دلیل افزایش هزینه تمام شده تهدید نماید. ولی نرخ ارز موجود برای واردات کالاهای مصرفی خارجی بسیار مناسب است، بطوری که افزایش قیمت ارز واردات کالاهای مذکور که رقیب تولیدات داخلی هستند را محدود می‌کند. البته اگر در کشور بازارهای رقابتی وجود داشت مقتضیات و مناسبات تولید و صادرات و مصرف با یک وضعیت نرخ ارز سازگار بوده و بنابراین تعدیل نرخ ارز این قدر مشکل نبود.

۵- دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه نرخ ارز و صادرات غیرنفتی

رابطه نرخ ارز و صادرات غیر نفتی یکی از مصادیق موضوع مهم رابطه قیمت و مقادیر حقیقی است. رابطه قیمت با مقادیر حقیقی در اقتصادهای رقابتی با بازارهای عمیق رابطه‌ای معنی‌دار، مؤثر و مورد قبول است. البته دیدگاه‌های سوسیالیستی در مورد نقش قیمت‌ها این نیست که ما با چنین دیدگاهی کاری نداریم. اما وقتی بحث اقتصادهای غیررقابتی با بازارهای سطحی به میان می‌آید اختلاف نظرها در مورد معنی‌داری و حتی ماهیت این رابطه ظهور و بروز می‌یابد.

عده‌ای رابطه معنی‌دار و مؤثر میان نرخ ارز و صادرات را یک رابطه قطعی و مستقل از شرایط اقتصادها ارزیابی می‌کنند. بنابراین معتقدند در همه اقتصادها از جمله اقتصادهای توسعه‌نیافته و غیررقابتی (مثل اقتصاد ما) نرخ ارز به صادرات به طور قوی علامت می‌دهد و این قیمت (نرخ ارز) است که مقادیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در هر شرایطی نرخ ارز تعیین‌کننده کندی و شتاب صادرات است. در مقابل عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که در ساختارهای

غیررقابتی وقتی ساختارهای نهادی و سرمایه اجتماعی و دانش و مدیریت لازم برای صادرات مستمر و شتابان وجود ندارد قیمت‌ها نمی‌تواند معجزه کنند و نرخ ارز به تنهایی نمی‌تواند مثل کره جنوبی در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ صادرات را شتاب دهد. نرخ ارز می‌تواند در کنار رشد بهره‌وری، تأمین رقابت‌پذیری و ارتقاء استانداردهای کیفی نقش ایفا کند اما به تنهایی همه اثرات را ایجاد نمی‌کند. البته در مورد هر دو دیدگاه، نظرات افراطی هم وجود دارد که مورد قبول صاحب‌نظران نیست.

شاگری طی بررسی، مدلی را برای صادرات غیرنفتی ایران برآورد کرده است که در آن عوامل عمده تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی بهره‌وری و رقابت‌پذیری ذکر شده است ضمن اینکه تأثیر نرخ ارز نیز معنی‌دار است، اما قابل ملاحظه نیست. شاگری در این مقاله تأکید می‌کند؛ اینکه اثر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی تأثیر قابل ملاحظه ندارد نشانه بی‌اهمیت بودن آن نیست، بلکه نرخ ارز اثر خود را دارد و این موانع فنی، نهادی حقیقی هستند که باعث شده‌اند تأثیر نرخ ارز کند شود.^۲

۶- جایزه صادرات در مقابل تعدیل نرخ ارز بر اساس تورم و اثر آن بر متغیرهای کلان

همان طور که قبلاً متذکر شدیم عده‌ای معتقدند تعدیل نرخ ارز مؤثرترین روش برای ارتقاء صادرات غیرنفتی است و مشکلات اداری و عملیاتی جایزه صادرات را ندارد و خصوصاً در مواردی که فساد اداری و عدم شفافیت وجود دارد این کار ممکن است موجب فساد شود و بدون اینکه صادرات واقعی انجام شود، این جایزه‌ها دریافت شود یا اینکه بطور متناسب بیشتر از صادرات واقعی به آنها جایزه داده شود. از طرف دیگر جوایز صادراتی مستلزم افزایش هزینه‌های دولت خواهد بود که این می‌تواند به کسر بودجه و رشد بیشتر نقدینگی منجر شود. جدول (۴) میزان اعتبارات مصوب و عملکرد جوایز صادراتی را برای سال‌های ۸۷-۱۳۸۱ نشان می‌دهد.

جدول ۴: اعتبارات مصوب و عملکردی جوایز صادراتی طی سال ۸۷-۱۳۸۱ (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
۱ بودجه مصوب	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۸۵۰	۱۵۰۰	۱۴۰۸	۱۳۰۴
۲ درصد تخصیص (درصد)	۲/۳۵	۶۷	۱۰۰	۹۵	۳/۹۷	۹۹	۸۰
۳ مبلغ تخصیص یافته	۳۵۲	۶۷۰	۱۰۰۰	۸۰۷/۵	۱۴۵۹	۱۳۹۴	۱۰۴۳
۴ نرخ رشد مصوب نسبت به سال قبل (درصد)	-	-	-	-۱۵	۵/۷۶	-۶/۵۳	-۸
۴ نرخ رشد تخصیص نسبت به سال قبل (درصد)	-	۳/۹۰	۲/۴۹	-۲/۱۹	۷/۸۰	۲/۷	-۱۲/۵

منبع: سازمان توسعه تجارت

نکته دیگری که این گروه به آن اشاره می‌کنند این است که در کشور ما صادرکنندگان یک گروه هستند و تولیدکنندگان کالاهای صادراتی گروهی مجزای دیگری. اعطای جایزه صادراتی صادرکنندگان برای تولیدکنندگان کالاهای صادراتی که متناسب با تورم هزینه‌هایشان افزایش یافته است نفعی ندارد. نکته دیگری که این افراد روی آن تأکید می‌کنند این است که برقراری رابطه نرخ ارز و صادرات (قیمت و مقدار) موقعیت ممتازی ایجاد می‌کند که در آن

۲. شاگری، عباس (۱۳۸۳). ارائه یک الگوی صادرات غیرنفتی برای ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۳.

عکس‌العمل صادرات به نرخ ارز درون‌زا شده و وضعیت صادرات کشور از سیاست‌های سلیقه‌ای و تشویقی موردی مستقل می‌شود.

در نقطه‌ی مقابل عده‌ای معتقدند که تغییر نرخ ارز و تعدیل متناسب با تورم آن، اگرچه برای کاهش واردات بی‌رویه تا حدی چاره‌ساز است اما در شرایط کمبود ذخایر ارزی (پایین بودن قیمت نفت) موجب افزایش انتظارات تورمی و تورم می‌شود (نمودار ۲) و چه بسا صادرات‌کنندگان هم از ناحیه افزایش هزینه‌های تولید متضرر شوند، یا استفاده مطلوبی از افزایش نرخ ارز عایدشان نشود.

از طرف دیگر وقتی ارز گران می‌شود و دولت ارزهای نفتی را به بانک مرکزی می‌فروشد، متقاضیان ارز برای واردات رسمی کاهش می‌یابد و این موجب افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی و افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی می‌شود. جدول (۵) به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد. از طرف دیگر افزایش نرخ ارز شرایط تولید را محدود می‌کند زیرا تولیدات ما بطور قابل ملاحظه‌ای ارزبر هستند (جدول ۳).

جدول ۵: نرخ ارز و سهم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از رشد پایه پولی

سال	نرخ ارز	خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	پایه پولی	رشد پایه پولی	سهم خالص دارایی‌های بانک مرکزی از رشد پایه پولی
۱۳۷۷	۱۷۵۳	۲۴۶۵,۴	۶۱۹۶۴,۶	۱۸	-۶,۶
۱۳۷۸	۱۷۵۳	۴۴۴۹,۸	۷۱۸۲۲,۶	۱۵,۹	۳,۲
۱۳۷۹	۱۷۵۳	۷۵۷۶,۸	۸۴۳۹۸,۱	۱۷,۵	۴,۴
۱۳۸۰	۱۷۵۳	۱۱۷۴۰,۸	۹۷۱۸۴,۸	۱۵,۲	۴,۹
۱۳۸۱	۷۹۵۸	۸۱۳۸۷,۵	۱۱۹۶۱۵,۹	۲۳,۱	۷۱,۷
۱۳۸۲	۸۲۸۲	۱۱۸۰۴۲,۶	۱۲۸۷۱۰,۹	۷,۶	۳۰,۶
۱۳۸۳	۸۷۱۹	۱۸۳۲۷۹,۴	۱۵۱۲۰۰	۱۷,۵	۵۰,۷
۱۳۸۴	۹۰۲۶	۲۵۷۵۶۷	۲۲۰۵۴۱,۴	۴۵,۹	۴۹,۱
۱۳۸۵	۹۱۹۶,۹	۳۷۱۱۹۵,۴	۲۷۹۹۷۵,۱	۲۶,۹	۵۱,۵
۱۳۸۶	۹۲۸۵,۱	۴۳۸۶۳۰,۲	۳۶۵۴۹۹	۳,۵	۲۴,۱
۱۳۸۷	۹۵۷۳,۸	۵۶۴۰۳۷,۹	۵۴۰۸۴۶,۷	۴۸	۳۴,۳

منبع: بانک مرکزی

لذا وقتی شرایط صادرات و مصرف بی‌رویه اقتضای افزایش نرخ ارز را دارد و شرایط تولید و سرمایه‌گذاری‌های مولد چنین اقتضایی ندارد و ثبات متغیرهای قیمتی نیز در موارد کمبود ذخایر ارزی تهدید می‌شود، بهتر آن است که ارزها عمدتاً صرف امور زیربنایی، تولید با تکنولوژی بالا و مقتضیات بخش مولد شود و برای جبران زیان‌های صادرکنندگان (در اثر تورم مستمر) نرخ ارز را برای این بخش تعدیل و یا جایزه صادراتی اعطا کرده تا استعدادهای انتظارات بی‌ثبات‌کننده تورمی بارور نشود، از ناحیه عدم فروش ارز، ذخایر ارزی بانک مرکزی انباشت نشود و در نتیجه نقدینگی و تورم افزایش نیابد و تولید و اشتغال بیشتر از آنچه که الان مشکل دارد، محدود نشود.

۷- تنگناهای صادرات غیرنفتی

صادرات غیرنفتی ایران از شرایط کلی حاکم بر اقتصاد ایران مستثنی نیست. اساساً برای اینکه صادرات یک کشور جایگاه بین‌المللی پیدا کند باید:

۱- کالاهای با تقاضای بالای جهانی را شامل شود؛

۲- با استانداردهای کیفی بین‌المللی منطبق باشد؛

۳- از نظر انضباط مالی بنگاه و هزینه باید کالا با قیمتی تولید شود که با قیمت کالاهای سایر کشورها قابل رقابت باشد؛

۴- قوانین و مقررات مناسب حقوق تجارت و نهادهای مرتبط تأمین باشد.

در حال حاضر در همه زمینه‌ها صادرات ما با چالش مواجه است. از نظر فنی و تکنولوژی‌های بالا کالاهای ما رقابت‌پذیر نیست. ابداع، نوآوری، دانش‌محوری، تحقیق و توسعه و اهتمام به استانداردهای کیفی در وضعیتی نیست که صادرات کشور را شتاب بخشیده و بطور قابل ملاحظه رقابت‌پذیر سازد. به خاطر همین کمبودهای فنی و کیفی، بهره‌وری تولید در این بخش پایین است و بنابراین سهم هزینه عوامل در تولید صادراتی بالاست و قیمت‌های تمام شده کالاهای مذکور نسبت به قیمت جهانی نیز بالاست. جدول (۶) سهم صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته را برای ایران و کره نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که این رقم برای ایران اگرچه روند افزایشی داشته ولی رقم کوچکی است و این در حالی است که این رقم برای کره مقدار قابل توجهی است. لازم به ذکر است که این رقم برای کره در سال ۱۹۸۸ تنها ۱۶ درصد بوده و برای کمتر از ۲۰ سال این سهم به ۳۲ درصد رسیده است.

جدول ۶: سهم صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته از کل صادرات ایران (درصد)

سال	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ایران	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۵۰	۱/۸۹	۱/۰۵	۲/۶۱	۱/۷۵	۲/۷۰	۲/۵۴	۶/۱۷
کره	۲۶	۲۷	۳۲	۳۵	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۲	۳۲

منبع: world bank

در حوزه عوامل قیمتی نیز تولیدکنندگان صادراتی با تورم قابل ملاحظه مستمر مواجه‌اند و هزینه‌های تولید آنها حتی بیش از تورم سالانه افزایش می‌یابد اما نرخ تبدیل پول‌های خارجی به ریال یعنی نرخ ارز ثابت مانده است. نتیجه‌ای که می‌توان از این مباحث گرفت این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از مشکلات صادرات، مشکلات فنی، نهادی و بنیادی است و جنبه‌هایی از مشکلات آن نیز به عدم تناسب قیمت‌ها، هزینه‌ها، قیمت فروش و نرخ ارز مربوط می‌شود.

۸- جمع‌بندی

مطالب فوق را می‌توان در سطور زیر جمع‌بندی کرد:

- ۱- ثبات نرخ ارز صادرات غیرنفتی را دچار مشکل می‌کند، البته افزایش آن هم معلوم نیست به شتاب صادراتی منجر شود. از طرفی ثبات نرخ ارز واردات مصرفی بی‌رویه را تداوم و شتاب می‌دهد.
- ۲- نیاز تولید به ارز اقتضای این دارد که نرخ ارز چندان بی‌ثبات نشود. اگر اقتصاد رقابتی بود این امکان وجود داشت که با ابزار نرخ ارز عدم تعادل‌ها را رفع کرد ولی در شرایط کنونی چنین امری امکان‌پذیر نیست و باید با لحاظ مشکلات صادرات، واردات بی‌رویه و تنگنای تولید، ارز را مدیریت کرد.

منابع و مآخذ

- ۴- شاکری، عباس (۱۳۸۳)، "ارائه یک مدل صادرات غیرنفتی برای ایران"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۱.
- ۵- شاکری، عباس (۱۳۸۱)، اثر تک‌نرخ‌گذاری بر متغیرهای کلان، مرکز پژوهشهای مجلس.
- ۶- شاکری، عباس (۱۳۷۷)، "وضعیت بازار ارز در اقتصاد ایران"، فصلنامه مفید.

سایت‌ها

- ۱- سایت بانک مرکزی
- ۲- سایت بانک جهانی
- ۳- سایت سازمان توسعه تجارت
- ۴- سایت IFS

پیامدهای کاهش ارزش پول ملی متناسب با تورم در ایران و جهان

۱- مقدمه

معمولاً در اقتصادهای رقابتی و با بازارهای عمیق وضعیت نرخ‌های ارز انعکاسی از جایگاه نسبی متغیرهای حقیقی و بنیادی اقتصاد (نسبت به کشورهای دیگر) مثل تولید، تورم، نقدینگی، رقابت‌پذیری مادی و فنی است. اصولاً یک قاعده کلی در چنین کشورهایی این است که تمامی قیمت‌ها انعکاسی از عوامل و عناصر اقتصادی، چه در حوزه خرد کالا و چه در حوزه کلان آن هستند. اما در کشورهایی که بازارها کاملاً رقابتی نبوده و سطحی می‌باشند، قیمت‌ها انعکاس صحیح و دقیق صرف عوامل اقتصادی نیستند و عوامل تأثیرگذار دیگر نیز در تعیین قیمت‌های کلیدی نقش دارند.

۲- نظریه‌های تعیین نرخ ارز

۲-۱- نظریه برابری قدرت خرید

یکی از نظریه‌های تعیین نرخ ارز نظریه برابری قدرت خرید^۳ است. این نظریه بیانگر این است که نرخ ارز هر کشور برابر است با نسبت سطح عمومی قیمت‌های داخلی به سطح عمومی قیمت‌های خارجی:

$$e = \frac{P}{P^*} \quad (۱)$$

که در آن e نرخ ارز (یعنی قیمت هر واحد پول خارجی بر حسب واحدهایی از پول داخلی) P سطح عمومی قیمت‌های داخلی و P^* سطح عمومی قیمت‌های خارجی است. این نظریه بیانگر این است که مثلاً اگر سبد معینی از کالاها در کشور ایران ۲۰۰۰۰ ریال قیمت‌گذاری شده و مثلاً در اقتصاد آمریکا ۲ دلار قیمت دارد نرخ دلار بر حسب ریال برابر است با

$$e = \frac{20000}{2} = 10000$$

در واقع براساس این نظریه نرخ ارز در جهت برابر کردن قیمت‌ها در کشورها عمل می‌کند.

فرضیه مبنایی نظریه برابری قدرت خرید وجود رقابت کامل در سطح اقتصادهای داخلی و در سطح مبادلات بین‌المللی است. البته همه نظریات تعیین نرخ ارز نقش تورم را در تعیین قیمت ارز می‌پذیرند اما نظریه‌ای که بطور مطلق تغییرات نرخ ارز را معلول تغییرات قیمت می‌داند نظریه برابری قدرت خرید است. اما باید توجه داشت تا وقتی اقتصاد کشور از بازارهای عمیق رقابتی بهره‌مند نباشد و هزینه مبادلات در سطح بین‌المللی کم و ناچیز نباشد، این نظریه امکان تحقق ندارد. تم اصلی این نظریه در تعیین نرخ ارز قابل انکار نیست اما تحقق کامل آن هم به ندرت در اقتصادها اتفاق می‌افتد.

یکی از ایرادات اصلی که به نظریه برابری قدرت خرید وارد است این است که تورم هر کشور همان نرخ رشد سطح عمومی قیمت‌ها در آن کشور در نظر گرفته می‌شود که هم وضعیت قیمت کالاهای قابل مبادله و هم وضعیت

کالاهای غیرقابل مبادله را منعکس می‌کند. لذا تغییر سطح عمومی قیمت‌ها در هر کشور متوسط تغییرات قیمت همه کالاها را در بر می‌گیرد و این در حالی است که اساساً نظریه برابری قدرت خرید باید در مورد کالاهای قابل مبادله صادق باشد؛ ممکن است در کشوری مثل ایران قیمت کالاهای غیرقابل مبادله مثل زمین و مسکن و خدمات مستغلات و سرقفلی و خدمات حمل‌ونقل و ... بطور مستمر و به مقدار زیاد در حال افزایش باشد اما قیمت کالاهای قابل مبادله بطور آهسته‌تری تغییر کنند که در این صورت نظریه تورمی تعیین نرخ ارز نمی‌تواند رقابت‌پذیری کشورها در حوزه مبادلات کالاهای قابل مبادله را تضمین کند. البته بطور معمول باید در کشورهای دارای بازارهای عمیق رقابتی و اقتصادهای باثبات قیمت در بخش کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله بطور یکسان تغییر کند اما در اقتصادهای توسعه نیافته و غیررقابتی این گونه نیست، زیرا وجود انتقال‌پذیری منابع و نهاده‌ها و رقابت قیمتی در کشورهای گروه اول موجب یکسانی قیمت‌ها در آنها و نبود آنها در کشورهای نوع دوم موجب عدم تناسب تغییر قیمت‌ها در دو بخش مذکور می‌شود.

برای محاسبه نرخ ارز مبتنی بر برابری قدرت خرید، نرخ ارز در سالی که همه اعتقاد دارند در آن سال نرخ ارز مقدار واقعی و تعادلی دارد و قیمت ارز انعکاس صحیحی از عوامل بنیادی اقتصادی و رقابت‌پذیری است، به عنوان نرخ پایه تعادلی در نظر گرفته می‌شود و هر سال براساس تفاوت تورم کشورها رشد نرخ ارز را مشخص می‌کنند:

$$\dot{e} = \dot{P} - \dot{P}^* \quad (2)$$

که در آن $\dot{e}$ نرخ رشد نرخ ارز، $\dot{P}$ نرخ تورم داخلی و $\dot{P}^*$ نرخ تورم خارجی است. ما در جدول (۱) نرخ ارز سال ۱۹۷۹ را مبنا قرار داده و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید را محاسبه نموده‌ایم. همان طور که از جدول و نمودار (۱) ملاحظه می‌شود نرخ‌های ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید به مقدار قابل ملاحظه‌ای از نرخ‌های ارز بازار آزاد در اقتصاد ایران متفاوت بوده است.

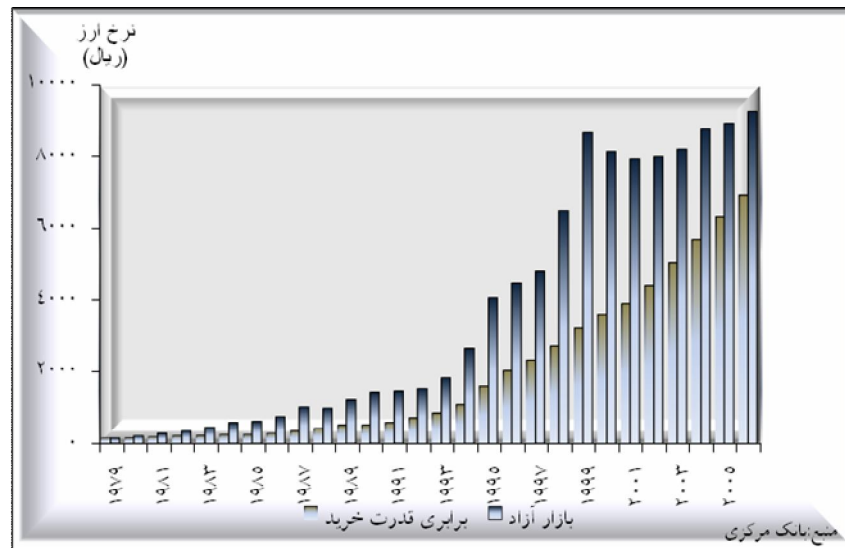
جدول ۱: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید

سال	نرخ ارز بازار آزاد	نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید ^۴	سال	نرخ ارز بازار آزاد	نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید
۱۹۷۹	۱۴۱	۱۴۱	۱۹۹۳	۱۸۰۶	۸۲۷
۱۹۸۰	۲۰۰	۱۵۲	۱۹۹۴	۲۶۳۵	۱۰۶۸
۱۹۸۱	۲۷۰	۱۷۲	۱۹۹۵	۴۰۳۶	۱۵۷۲
۱۹۸۲	۳۵۰	۱۹۰	۱۹۹۶	۴۴۴۶	۱۹۹۲
۱۹۸۳	۴۵۰	۲۱۷	۱۹۹۷	۴۷۸۲	۲۲۹۷
۱۹۸۴	۵۸۰	۲۳۳	۱۹۹۸	۶۴۶۸	۲۶۷۵
۱۹۸۵	۶۱۴	۲۳۲	۱۹۹۹	۸۶۳۴	۳۱۷۴
۱۹۸۶	۷۴۲	۲۶۸	۲۰۰۰	۸۱۳۱	۳۵۵۸
۱۹۸۷	۹۹۱	۳۳۶	۲۰۰۱	۷۹۲۵	۳۸۸۱
۱۹۸۸	۹۶۶	۴۲۰	۲۰۰۲	۷۹۹۱	۴۳۸۱
۱۹۸۹	۱۲۰۷	۴۹۴	۲۰۰۳	۸۱۷۸	۵۰۱۹
۱۹۹۰	۱۴۱۲	۵۰۵	۲۰۰۴	۸۷۴۷	۵۶۵۹
۱۹۹۱	۱۴۲۰	۵۶۹	۲۰۰۵	۸۹۱۹	۶۲۸۷
۱۹۹۲	۱۴۹۸	۶۹۸	۲۰۰۶	۹۲۲۶	۶۸۹۰

منبع: نرخ ارز بازار آزاد: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید: محاسبات پژوهشگر

۱- از آنجا که برای محاسبه نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید از نرخ تورم کشورهای صنعتی استفاده نموده‌ایم ممکن است نرخ ارز محاسبه شده با نرخ محاسبه شده توسط سایر مطالعات متفاوت باشد، لیکن نحوه تغییر مشابه خواهد بود.

نمودار ۱: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید



باید توجه نمود که نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید نسبت به نرخ ارز تعادلی پایه بسیار حساس است؛ مثلاً اگر ما در محاسبه این نرخ ارز، نرخ ارز سال ۱۹۹۹ را مبنا قرار دهیم وضعیت کاملاً متفاوت شده و مسلماً نرخ ارز در سال مذکور نرخ تعادلی مورد پذیرش همه صاحب نظران اقتصادی نیست. آنچه در مورد نرخ ارز صادراتی مطرح می‌شود این است که صرف نظر از اینکه نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید چقدر باشد وقتی نرخ ارز در یک سال تحقق می‌یابد نرخ ارز سال بعد باید براساس تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی تعدیل شود.

۲-۲- نقدینگی و نظریه‌های تعیین نرخ ارز

نظریه تعیین نرخ ارز براساس وضعیت نقدینگی نیز بر نظریه برابری قدرت خرید مبتنی است با فرض اینکه بخشی از رشد نقدینگی صرف پوشش معاملات و رشد تولید ملی شده و بقیه آن در رشد قیمت‌ها و تورم انعکاس می‌یابد می‌توان نظریه تعیین نرخ ارز بر اساس وضعیت نقدینگی را به صورت زیر ارائه کرد:

$$e_t = \frac{P_t}{P_t^*} \quad (۴)$$

$$P_t = m_t - l_t \quad (۵)$$

$$P_t^* = m_t^* - l_t^* \quad (۶)$$

که در آن m عرضه پول داخلی و l_t تقاضای پول داخلی است و علامت ستاره روی متغیرها بیانگر این است که متغیر به کشور خارجی مربوط است. تقاضای پول در دو کشور هم به صورت معادلات زیر ارائه می‌شود:

$$l_t = ky_t \quad (۷)$$

$$l_t^* = k^* y_t^* \quad (۸)$$

که در آن y تولید ناخالص ملی و k عکس سرعت گردش پول و شاخص نگهداری پول توسط مردم است. اگر معادلات ۷ و ۸ را در معادلات ۵ و ۶ جایگزای کنیم داریم:

$$P_t = m_t - ky_t \quad (9)$$

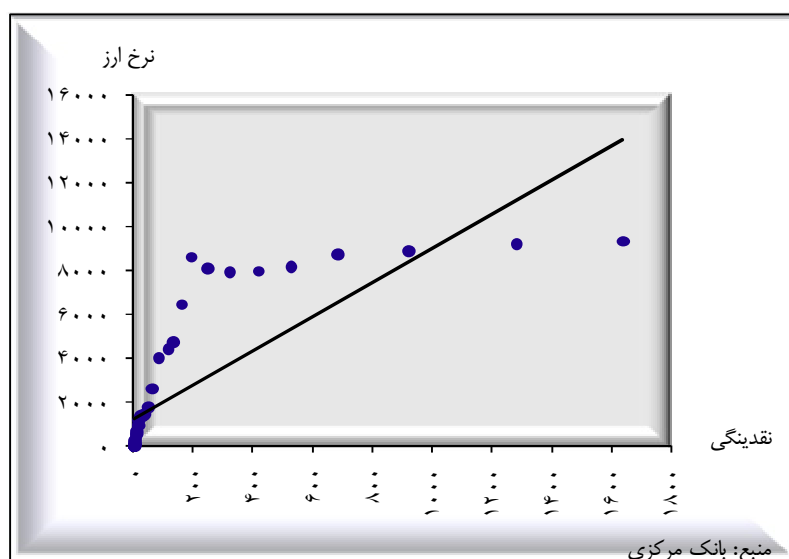
$$P_t^* = m_t^* - k^* y_t^* \quad (10)$$

اگر معادلات (۹) و (۱۰) را در معادله (۴) جایگزین کنیم خواهیم داشت:

$$e_t = \frac{m_t - ky_t}{m_t^* - k^* y_t^*} \quad (11)$$

همان طور که ملاحظه می شود هر چه نرخ رشد نقدینگی در کشور زیاد شود پول ملی کم ارزش تر شده و نرخ ارز تمایل به افزایش پیدا می کند، اما هر چه تولید ناخالص افزایش یابد پول ملی تقویت شده و نرخ ارز کاهش می یابد. متقابلاً هر چه نرخ رشد نقدینگی کشورهای خارجی بیشتر باشد و هر چه تولید ناخالص ملی آنها بیشتر باشد به ترتیب موجب کاهش و افزایش نرخ ارز ما می شود. بطور کلی این نظریه تعیین نرخ ارز بیانگر این است که در اقتصادی که نقدینگی بی ثبات باشد نرخ ارز هم در آن اقتصاد بی ثبات می شود. بایستی توجه نمود که این نظریه در اقتصاد ما نیز تا حدی برقرار است. نمودار (۲) به خوبی نشان می دهد که در طول زمان به همراه افزایش نقدینگی نرخ ارز افزایش و به عبارتی ارزش پول ملی کاهش یافته است.

نمودار ۲: رابطه نرخ ارز و نقدینگی



همان طور که از جدول و نمودار ملاحظه می شود همراهی و همبستگی نرخ ارز و نقدینگی مثبت و قوی است. البته در مورد علیت میان این دو و اساساً سایر علل رشد هر کدام تنها نمی توان به این همبستگی اکتفا کرد. در مواردی افزایش نقدینگی موجب افزایش نرخ ارز و در مواردی هم افزایش نرخ ارز موجب افزایش نقدینگی شده است، اما در کشورهای پیشرفته جهت بطور عمده و غالب از نقدینگی به سمت نرخ ارز است.

۳- آیا در هر ساختار تورمی، نرخ ارز باید متناسب با تورم تغییر کند؟

۴- تناسب میان متغیرهای پولی و تغییرات متناسب آنها در اقتصادهای پیشرفته، باثبات و رقابتی تقریباً موضوعیت و مصداق دارد، زیرا در اقتصادهای پیشرفته قدرت قیمت‌گذاری دلخواه محدود است، قیمت‌ها بیشتر بصورت درون‌زا تعیین می‌شوند تا برون‌زا و اساساً روابط منطقی درون‌زا میان بخش‌ها و متغیرهای اقتصادی وجود دارد. بنابراین رشد نقدینگی تقریباً به رشد قیمت‌ها منجر می‌شود و رشد قیمت‌ها هم در نرخ‌های ارز انعکاس می‌یابد. البته اگر نرخ ارز کمتر از تورم افزایش یابد موجب اختلال در صادرات می‌شود و رقابت‌پذیری کشور را کم می‌کند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که در چنین اقتصادهایی بحث کیفیت و استانداردهای مربوط به آن، ارتقاء تکنولوژی و نهادهای مربوط به امر تولید، امری مسلم و تحقق یافته است اما در اقتصادهایی که از ساختار مناسب و ثبات برخوردار نیستند چنین تناسبی میان تغییرات نقدینگی، تورم و نرخ ارز ملاحظه نمی‌شود.

همانطور که در جدول (۱) ملاحظه کردیم تفاوت قابل توجهی بین نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت وجود دارد. تفاوت نرخ ارز بازار آزاد از نرخ ارز مبتنی بر تفاوت تورم داخل و خارج بخاطر این است که عوامل غیر اقتصادی و اقتصادی دیگر نیز نرخ ارز را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

در هر صورت ارز مثل کالا است و دارای عرضه و تقاضا می‌باشد و هر چه که عرضه و تقاضای آن را تحت تأثیر قرار دهد موجب تغییر قیمت آن می‌شود اما اگر بازار همه کالاها از جمله ارز رقابتی باشد و رابطه اقتصادی و تجاری کشور با کشورهای دیگر یک رابطه رقابتی و متوازن باشد، عوامل غیر اقتصادی و عوامل مرتبط اقتصادی تأثیر چندانی بر نرخ ارز نخواهد داشت.

نکته دیگری که باید متذکر شد این است که اگر نرخ ارز تعادلی پایه را مثلاً نرخ ارز سال ۱۹۹۹ قرار دهیم در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید بیشتر از نرخ ارز تحقق یافته در این دوره است. این موضوع در جدول (۲) به خوبی نشان داده شده است.

جدول ۲: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری

قدرت خرید (مبنا: نرخ سال ۱۹۹۹)

سال	نرخ ارز بازار آزاد (ریال)	نرخ ارز بر اساس نظریه برابری قدرت خرید (ریال)
۱۹۹۹	۸۶۳۴	۸۶۳۴
۲۰۰۰	۸۱۳۱	۹۶۷۹
۲۰۰۱	۷۹۲۵	۱۰۵۵۹
۲۰۰۲	۷۹۹۱	۱۱۹۱۷
۲۰۰۳	۸۱۷۸	۱۳۶۵۵
۲۰۰۴	۸۷۴۷	۱۵۳۹۵
۲۰۰۵	۸۹۱۹	۱۷۱۰۳
۲۰۰۶	۹۲۲۶	۱۸۷۴۴

منبع: بانک مرکزی

نکته بسیار مهم دیگر، همانطور که پیش از این نیز اشاره شد این است که نظریه برابری قدرت خرید پول در کشورها تنها در قلمرو کالاهای قابل مبادله و قابل تجارت موضوعیت دارد، در حالی که تورم عبارت است از رشد میانگین وزنی نسبت قیمت همه کالاها اعم از قابل مبادله و غیرقابل مبادله است. بنابراین اگر در یک اقتصاد قیمت

کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله متناسب تغییر نکند نظریهٔ برابری قدرت خرید نمی تواند موضوعیت داشته باشد. می توان این بحث را این گونه جمع بندی کرد که نظریه تغییرات نرخ ارز براساس تورم در صورتی که محقق می شود که قیمت های کالاهای قابل مبادله و کالاهای غیر قابل مبادله تغییرات تقریباً یکسان داشته باشند و عوامل غیراقتصادی و اصطکاک های ساختاری و نهادی خیلی تأثیرگذار نباشند و حباب های ارزی چندان خودنمایی نکنند.

۵- چگونگی رابطه نرخ ارز با تورم در سایر کشورها

آمارهای ارایه شده در جدول (۳) بیانگر این است که در بعضی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نیز تورم به طور کامل در رفتار و تغییرات نرخ ارز انعکاس نیافته است، مثلاً در مورد کشور ژاپن که اقتصادش بر استراتژی رهبری صادرات مبتنی است نرخ ارز بازار آزاد با نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید تفاوت قابل ملاحظه داشته است و نرخ ارز متناسب با تورم تغییر نکرده است. البته تورم ژاپن هم بسیار معتدل است. این وضعیت بیانگر این نکته مهم است که آنچه که در صادرات این کشور نقش تعیین کننده دارد مسأله رقابت پذیری کیفی کالاها و بستر سازی های دولت این کشور برای ارتقاء صادرات است. نکته دیگری که می توان از این تجارب آموخت این است که نرخ ارز تا حدی انعکاس دهنده نیروهای بنیادی اقتصادی است و از یک جنبه هم یک کالای مستقل است و تابع شرایط بازار خود ارز و عوامل غیر اقتصادی دیگر نیز هست اما در کشوری که نهادهای فنی پویا و قوی نیست و ارتقاء استانداردهای کیفی و بهره وری به طور کند انجام می شود رقابت پذیری در گرو تغییر متناسب تورم و نرخ ارز است.

جدول ۳: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید* (مبنا: نرخ ارز ۱۹۸۵)

سال	ژاپن		انگلیس		کانادا		هند		کره		سنگاپور		ترکیه	
	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP	بازار آزاد	PPP
۱۹۸۵	۲۰۰,۵	۲۰۰,۵	۱,۴	۱,۴	۱,۴	۱,۴	۱۲,۲	۱۲,۲	۸۹۰,۲	۸۹۰,۲	۲,۱	۲,۱		
۱۹۸۶	۱۵۹,۱	۱۹۵,۹	۱,۵	۱,۴	۱,۴	۱,۴	۱۳,۱	۱۲,۹	۸۶۱,۴	۸۹۱,۲	۲,۲	۲,۰		
۱۹۸۷	۱۲۳,۵	۱۸۹,۴	۱,۹	۱,۴	۱,۳	۱,۴	۱۲,۹	۱۳,۶	۷۹۲,۳	۸۹۲,۲	۲,۰	۲,۰		
۱۹۸۸	۱۲۵,۹	۱۸۳,۸	۱,۸	۱,۴	۱,۲	۱,۴	۱۵,۰	۱۴,۴	۶۸۴,۱	۸۹۳,۲	۲,۰	۱,۹		
۱۹۸۹	۱۴۳,۵	۱۷۹,۲	۱,۶	۱,۵	۱,۲	۱,۴	۱۷,۰	۱۴,۶	۶۷۹,۶	۸۹۴,۲	۱,۹	۱,۹		
۱۹۹۰	۱۳۴,۴	۱۷۵,۱	۱,۹	۱,۵	۱,۲	۱,۴	۱۸,۱	۱۵,۱	۷۱۶,۴	۸۹۵,۳	۱,۷	۱,۸		
۱۹۹۱	۱۲۵,۲	۱۷۲,۹	۱,۹	۱,۶	۱,۲	۱,۴	۲۵,۸	۱۶,۵	۷۶۰,۸	۸۹۶,۳	۱,۶	۱,۸		
۱۹۹۲	۱۲۴,۸	۱۷۰,۵	۱,۵	۱,۶	۱,۳	۱,۴	۲۶,۲	۱۸,۰	۷۸۸,۴	۸۹۷,۴	۱,۶	۱,۸		
۱۹۹۳	۱۱۱,۹	۱۶۸,۱	۱,۵	۱,۶	۱,۳	۱,۴	۳۱,۴	۱۸,۶	۸۰۸,۱	۸۹۸,۴	۱,۶	۱,۸		
۱۹۹۴	۹۹,۷	۱۶۵,۳	۱,۶	۱,۶	۱,۴	۱,۴	۳۱,۴	۲۰,۱	۷۸۸,۷	۸۹۹,۴	۱,۵	۱,۸		
۱۹۹۵	۱۰۲,۸	۱۶۱,۱	۱,۶	۱,۶	۱,۴	۱,۴	۳۵,۲	۲۱,۶	۷۷۴,۷	۹۰۰,۴	۱,۴	۱,۸	۰,۱	۰,۱
۱۹۹۶	۱۱۶,۰	۱۵۷,۷	۱,۷	۱,۶	۱,۴	۱,۴	۳۵,۹	۲۳,۱	۸۴۴,۲	۹۰۱,۵	۱,۴	۱,۸	۰,۲	۰,۱
۱۹۹۷	۱۳۰,۰	۱۵۷,۲	۱,۷	۱,۶	۱,۴	۱,۴	۳۹,۳	۲۴,۳	۱۶۹۵,۰	۹۰۲,۵	۱,۷	۱,۸	۰,۳	۰,۲

۱۹۹۸	۱۱۵٫۶	۱۵۶٫۰	۱٫۷	۱٫۶	۱٫۵	۱٫۴	۴۲٫۵	۲۷٫۲	۱۲۰۴٫۰	۹۰۳٫۵	۱٫۷	۱٫۷	۰٫۳	۰٫۶
۱۹۹۹	۱۰۲٫۲	۱۵۳٫۳	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۴	۱٫۴	۴۳٫۵	۲۸٫۰	۱۱۳۸٫۰	۹۰۴٫۵	۱٫۷	۱٫۷	۰٫۵	۱٫۰
۲۰۰۰	۱۱۴٫۹	۱۴۸٫۶	۱٫۵	۱٫۶	۱٫۵	۱٫۴	۴۶٫۸	۲۸٫۵	۱۲۶۴٫۵	۹۰۵٫۵	۱٫۷	۱٫۷	۰٫۷	۱٫۵
۲۰۰۱	۱۳۱٫۸	۱۴۴٫۳	۱٫۵	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۴	۴۸٫۲	۲۸٫۹	۱۳۱۳٫۵	۹۰۶٫۶	۱٫۹	۱٫۷	۱٫۵	۲٫۳
۲۰۰۲	۱۱۹٫۹	۱۴۰٫۸	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۴	۴۸٫۰	۲۹٫۸	۱۱۸۶٫۲	۹۰۷٫۶	۱٫۷	۱٫۶	۱٫۶	۳٫۳
۲۰۰۳	۱۰۷٫۱	۱۳۷٫۸	۱٫۸	۱٫۶	۱٫۳	۱٫۴	۴۵٫۶	۳۰٫۳	۱۱۹۲٫۶	۹۰۸٫۶	۱٫۷	۱٫۶	۱٫۴	۴٫۰
۲۰۰۴	۱۰۴٫۱	۱۳۵٫۰	۱٫۹	۱٫۷	۱٫۲	۱٫۴	۴۳٫۶	۳۰٫۹	۱۰۳۵٫۱	۹۰۹٫۶	۱٫۶	۱٫۶	۱٫۳	۴٫۳

منبع: نرخ بازار آزاد: IFS- نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابر قدرت خرید: محاسبات پژوهشگر

* از آنجا که در محاسبه نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید از تورم کشورهای صنعتی استفاده شده است و از طرفی سال پایه ۱۹۸۵ در نظر گرفته شده است ممکن است اعداد بدست آمده با نتایج سایر مطالعات متفاوت باشد.

۶- آیا تورم بطور متناسب و خنثی عمل می‌کند؟

نظریه پایه و کلاسیک اقتصاد بیانگر این است که تورم متناسب عمل می‌کند و بنابراین تأثیری بر تخصیص منابع ندارد و خنثی است؛ یعنی رشد همه قیمت‌ها یکسان و تغییرات همه آنها متناسب است. قیمت محصولات نهایی و قیمت نهاده‌ها و خدمات همه متناسب تغییر می‌کنند. طبیعتاً نتیجه چنین وضعیتی این است که هیچ تغییری در توزیع درآمد و تخصیص منابع رخ نمی‌دهد.

البته دیدگاه فوق حتی در اقتصادهای پیشرفته و باثبات بطور کامل محقق نمی‌شود، ولی تا حد زیادی این ایده در چنین اقتصادهایی موضوعیت دارد. اما در کشورهایی که توسعه یافته نیستند وضعیت متفاوت است. در این قبیل کشورها تورم متناسب عمل نمی‌کند. مستمری حقوق‌بگیران ثابت معمولاً هماهنگ با سطح عمومی قیمت‌ها تغییر نمی‌کند و کسانی که در اقتصاد قدرت قیمت‌گذاری دارند قیمت‌های خود را بصورت نامتناسب و دلخواه تغییر می‌دهند. یا در خیلی از موارد قیمت نهایی تولیدکننده‌ها کمتر از قیمت نهاده‌های تولیدی آنها افزایش می‌یابد. بنابراین تورم در چنین اقتصادهایی هم توزیع مجدد درآمد انجام می‌دهد هم تخصیص مجدد منابع انجام می‌دهد.

در جلد پنجم مستند برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بخش برآوردهای اقتصادسنجی مربوط به مواد برنامه آورده شده است که تورم در اقتصاد ایران وضعیت رفاهی ۴ دهک بالای درآمدی را بهبود می‌بخشد و وضعیت ۴ دهک پایینی را بدتر می‌سازد و این گواه آن است که تورم در اقتصاد ایران توزیع مجدد درآمد انجام می‌دهد. از طرفی بسیاری از گروه‌ها در اقتصاد حضور دارند که تنها از طریق افزایش قیمت و بدون انجام کار مولد ارتزاق می‌کنند و بنابراین می‌توان گفت که تورم در اقتصاد کشور منابع را از بخش مولد به سمت بخش‌های نامولد سوق داده و توزیع مجدد درآمد انجام می‌دهد.

۷- رابطه نرخ ارز و تورم وقتی تورم نامتناسب عمل می‌کند.

همان طور که در بخش قبلی متذکر شدیم مسلماً اگر تورم نامتناسب عمل کند حتی در صورتی که عوامل غیراقتصادی و بی‌ثباتی ارزی هم وجود نداشته باشد رابطه ارز با تورم از حالت ساده و تناسبی خارج شده و پیچیده می‌شود. وقتی می‌گوییم تورم نامتناسب عمل می‌کند ممکن است منظور این باشد که در روند تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله با هم تغییر نمی‌کنند و همبستگی آنها کامل نیست. همچنین ممکن است منظور

این باشد که قیمت کالاهای صادراتی بین خودشان متناسب تغییر نمی‌کند یا قیمت کالاهای صادراتی با سایر کالای داخلی. یا حتی ممکن است شاخص کالاهای صادراتی متناسب با شاخص کالاهای تولید داخل که واردات هم دارند متناسب تغییر نکند. و بالاخره ممکن است منظور از عدم تناسب رشد قیمت‌ها، عدم تناسب میان رشد قیمت خدمات مولد و خدمات نامولد باشد. در هر صورت بسته به گسترش و دامنه این عدم تناسب‌ها رابطه نرخ ارز با تورم پیچیده‌تر می‌شود.

تمامی موارد فوق در صورتی است که رابطه میان نرخ ارز و تورم را در چارچوب صرف تعامل عوامل اقتصادی ارزیابی کنیم اما در صورتی که نظام ارزی کشور قوی و باثبات نباشد چه بسا عوامل غیر اقتصادی و حباب‌های موردی هم در تعیین نرخ ارز نقش ایفا می‌کنند. در این صورت رابطه نرخ ارز و تورم بسیار پیچیده‌تر می‌شود. البته وقتی تورم دچار عدم تناسب می‌شود عوامل غیر اقتصادی و حباب‌ها هم فعال‌تر می‌شوند زیرا عدم تناسب و بی‌ثباتی نیروهای غیراقتصادی و حباب‌ها با هم تعامل دارند و همدیگر را تقویت می‌کنند. نکته‌ای که در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد این است وقتی رابطه تورم و نرخ ارز بخاطر عدم تناسب تغییر قیمت‌ها و فعال بودن عوامل نامرتب در بازار ارز به رابطه‌ای پیچیده تبدیل شود پیش‌بینی نرخ ارز هم بسیار مشکل می‌شود. با این همه وجود رابطه مثبت میان نرخ ارز و تورم در همه اقتصادها و در همه شرایط مورد توافق همه است و اندازه همبستگی به عوامل فوق‌الذکر بستگی دارد.

۸- اقدامات لازم برای همراهی نرخ ارز با تورم در اقتصاد ایران

همان طور که قبلاً بطور مستدل بحث کردیم برای اینکه نرخ ارز متناسب با تورم تغییر کند اولاً باید در فکر ایجاد یک نظام ارزی باشیم. برای ایجاد نظام ارزی نیز باید منشأهای ارزآوری را از طرق متنوع و ارتقاء صادرات غیرنفتی زیاد کرد و به بازار ارز عمق بخشید و بعد از آن باید با رقابتی کردن همه بازارها و کلیت اقتصاد زمینه ایجاد ارتباط منطقی میان بخش‌های غیرقابل مبادله و قابل مبادله و پیدایش توازن میان این دو بخش را فراهم نمود.

این مهم به آسانی محقق نمی‌شود و باید خصوصی‌سازی واقعی را گسترش داد، از انحصارات دولتی و شبه دولتی کاست تا زمینه علامت‌دهی قیمت‌ها فراهم شود و علامت‌دهی قیمت‌ها بخش‌های قابل مبادله و غیرقابل مبادله را همگرا کند. البته دست یافتن به این وضعیت‌های مطلوب زمان قابل ملاحظه‌ای لازم دارد که برای دوره گذار به این مرحله مطلوب نیز اقدامات سنجیده و مناسبی اجتناب‌ناپذیر است.

به نظر نگارنده تا وقتی اقتصاد به توسعه لازم دست نیافته و ثبات و رقابت در آن مستقر نشده است باید ارز تولید را بصورت کاملاً ارزان و نظارت شده و شفاف در اختیار تولید کالاهای و خدمات قرار داد، برای واردات مصرفی و غیرضروری نرخ ارز را متناسب با تورم افزایش داد و برای صادرکننده نیز تورم را در نرخ ارز منظور کرد. نکته قابل تأکید این است که این شرایط صرفاً مربوط به دوره گذار است و اگر با شفافیت و نظارت هوشمند همراه نباشد توالی فاسد زیادی خواهد داشت. اگر اقدامات اقتصادی ما و عمل ما در جهت آن وضعیت‌های مطلوب نباشد این تبعیض قیمت با هزینه‌های جبران‌ناپذیر و فسادهای گسترده همراه خواهد بود و راه به جایی نخواهیم برد. باید برای آن وضعیت‌های مطلوب برنامه‌ریزی نموده، راه‌کار تعیین کنیم و به سمت آن حرکت کنیم و در دوره گذار از تولید داخل حمایت کنیم و برای مصرف‌های غیرضروری و صادرات نرخ ارز را متناسب با تورم بالا ببریم.

۹- نتیجه گیری

مباحث مطرح شده را می توان این طور جمع بندی کرد که اساساً اگر اقتصاد، رقابتی و باثبات باشد نرخ ارز به طور متناسب با تورم تغییر می کند و در نظام های نرخ ارز ثابت هم تقریباً این تناسب رعایت می شود. اما در اقتصادهایی که در آن نیروهای بازار ضعیف عمل می کنند و رقابت قوی نیست و روابط درونزا بر بخش های مختلف اقتصادی حاکم نیست اساساً این تناسب رعایت نمی شود. لذا با وجودیکه مناسبات و مقتضیات برخی بخش ها تغییر متناسب نرخ ارز با تورم است در برخی بخش های دیگر وضعیت اینگونه نیست. بنابراین باید با ارزیابی و سنجش همه این ملاحظات تصمیم گیری و سیاست گذاری کرد.

۱۰- منابع و مآخذ

۷- شاکری، عباس (۱۳۸۱)، اثر تک نرخی کردن ارز بر متغیرهای کلان، مرکز پژوهش های مجلس.

۸- شاکری، عباس (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان، جلد دوم، فصل ۲۱.

سایت ها

۵- سایت بانک مرکزی

۶- سایت IFS

واقعی بودن نرخ ارز در اقتصاد ایران

۱- مقدمه

اگر منظور از واقعی بودن نرخ ارز این است که در شرایط تعرفه‌ای موجود و واقعیت ورود و خروج غیر قانونی کالا، نرخ ارز موجود بدون اصرار مقامات پولی و بدون ایجاد شرایط مصنوعی برای حفظ یک نرخ معین شکل گرفته است، می‌توان نرخ ارز موجود را واقعی دانست؛ زیرا چندین سال است که در شرایط وفور ارزی قرار داریم و درآمدهای ارزی ما از محل افزایش قیمت‌های جهانی نفت افزایش یافته است. البته در بعضی موارد دولت و بانک مرکزی بخاطر ملاحظات درآمدی از کاهش نرخ ارز نیز جلوگیری کرده‌اند. انباشت ذخایر ارزی در ترازنامه بانک مرکزی از سال ۱۳۷۸ به بعد گواه این مدعا است.

اما اگر منظور ما از واقعی بودن نرخ ارز سازگاری آن با مقتضیات محوری اقتصاد مثل تأمین رقابت‌پذیری در طرف صادرات و واردات و مناسبات بخش‌های تولیدی با ارزی‌بری بالا و ثبات نقدینگی از طریق ارز مورد نظر باشد یا منظور این باشد که نرخ ارز به خوبی انعکاس‌دهنده همه نیروهای اصلی اقتصاد است، پاسخ به این سؤال که نرخ ارز موجود واقعی است یا نه، با ما و اگرهای زیادی مواجه است. لازم به ذکر است که منظور ما در اینجا از واقعی بودن نرخ ارز نگاه دوم است.

۲- سازگاری نرخ ارز موجود با واقعیت‌های اقتصادی کشور

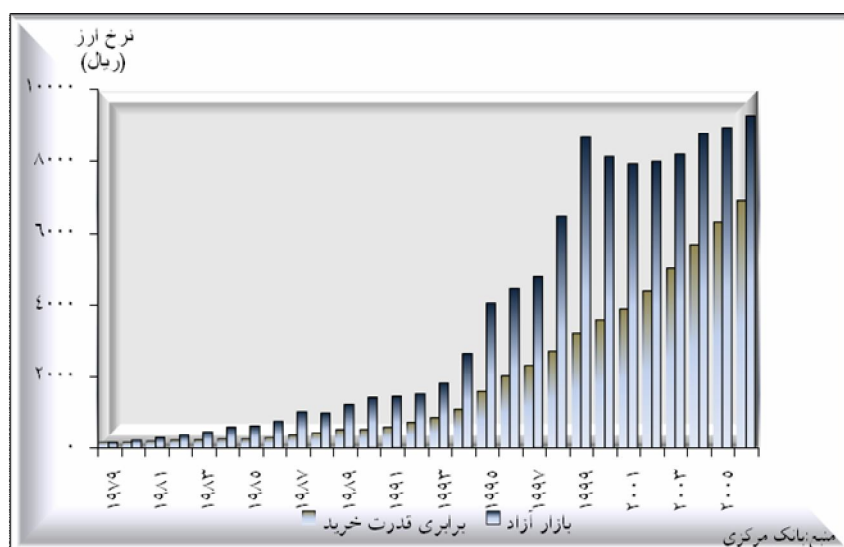
در مباحث قبلی بطور مفصل نشان دادیم که نرخ ارز تجربه شده در اقتصاد کشور در دهه‌های گذشته با نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید سازگاری ندارد. در اینجا بار دیگر برای دوره ۱۹۹۳ میلادی به بعد، یعنی دوره‌ای که نرخ ارز بعد از یک دوره طولانی تقریباً با ثبات با افزایش‌های شدید مواجه گردید، نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید را در خصوص دلار آمریکا را محاسبه می‌کنیم. در اینجا تورم خارجی را تورم کشورهای صنعتی در نظر گرفته و در محاسبه نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید منظور می‌کنیم تا محاسبه از دقت لازم برخوردار باشد.

جدول ۱: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید

سال	نرخ ارز بازار آزاد	نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید ^۵	سال	نرخ ارز بازار آزاد	نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید
۱۹۷۹	۱۴۱	۱۴۱	۱۹۹۳	۱۸۰۶	۸۳۷
۱۹۸۰	۲۰۰	۱۵۲	۱۹۹۴	۲۶۳۵	۱۰۶۸
۱۹۸۱	۲۷۰	۱۷۲	۱۹۹۵	۴۰۳۶	۱۵۷۲
۱۹۸۲	۳۵۰	۱۹۰	۱۹۹۶	۴۴۴۶	۱۹۹۲
۱۹۸۳	۴۵۰	۲۱۷	۱۹۹۷	۴۷۸۲	۲۳۹۷
۱۹۸۴	۵۸۰	۲۳۳	۱۹۹۸	۶۴۶۸	۲۶۷۵
۱۹۸۵	۶۱۴	۲۳۲	۱۹۹۹	۸۶۳۴	۳۱۷۴
۱۹۸۶	۷۴۲	۲۶۸	۲۰۰۰	۸۱۳۱	۳۵۵۸
۱۹۸۷	۹۹۱	۳۳۶	۲۰۰۱	۷۹۲۵	۳۸۸۱
۱۹۸۸	۹۶۶	۴۲۰	۲۰۰۲	۷۹۹۱	۴۳۸۱
۱۹۸۹	۱۲۰۷	۴۹۴	۲۰۰۳	۸۱۷۸	۵۰۱۹
۱۹۹۰	۱۴۱۲	۵۰۵	۲۰۰۴	۸۷۴۷	۵۶۵۹
۱۹۹۱	۱۴۲۰	۵۶۹	۲۰۰۵	۸۹۱۹	۶۲۸۷
۱۹۹۲	۱۴۹۸	۶۹۸	۲۰۰۶	۹۲۳۶	۶۸۹۰

منبع: نرخ ارز بازار آزاد: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید: محاسبات پژوهشگر

نمودار ۱: نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید



همان طور که از جدول و نمودار (۱) ملاحظه می‌شود نرخ ارز تجربه شده در اقتصاد ایران با نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید سازگار نیست و برای تمامی سال‌های پس از انقلاب نرخ ارز بازار آزاد فراتر از نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید است.

۱- از آنجا که برای محاسبه نرخ ارز مبتنی بر نظریه برابری قدرت خرید از نرخ تورم کشورهای صنعتی استفاده نموده‌ایم ممکن نرخ ارز محاسبه شده با نرخ محاسبه شده توسط سایر مطالعات متفاوت باشد، لیکن نحوه تغییر مشابه خواهد بود.

باید توجه داشت که مقتضیات سرمایه‌گذاری تولید با نرخ‌های ارز پایین و باثبات سازگار است زیرا درجه ارزیابی تولیدات داخلی و صادراتی از ناحیه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای بالا است، به طوری که افزایش نرخ‌های ارز در برنامه‌های اول، دوم و سوم هزینه‌های تولید داخلی را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دادند. نکته مهمی که در اینجا باید تذکر داد این است که نرخ ارز خصوصاً در شرایط بی‌ثباتی عامل تحریک‌کننده انتظارات تورمی نیز هست.

۳- نرخ ارز موجود و رقابت‌پذیری کالاها

اساساً رقابت‌پذیری باید در حوزه کیفیت و ارتقاء فنی و کیفی تأمین شود و پس از آن تغییرات قیمت نیز می‌تواند نقش تأثیرگذار قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. استانداردهای کیفی و فناوری‌های نوین مبنای صادرات پایدار و باشتاب است. تجربه کشور ما در مورد صادرات و واردات کالاها نشان می‌دهد که رقابت‌پذیری کیفی و فنی در کشور ما ضعیف است. بهره‌وری عوامل تولید پایین است و لذا هیچ وقت صادرات غیرنفتی در کشور شتاب نگرفته است و هیچ وقت اقتصاد کشور از شتاب واردات (حتی واردات کالاهای بی‌کیفیت) نیز در امان نبوده است.

در مورد تغییرات نرخ ارز و رقابت‌پذیری تولیدات صادراتی می‌توان گفت که عدم افزایش نرخ ارز در شرایط وجود تورم بالا موجب کاهش رقابت‌پذیری می‌شود اما افزایش نرخ ارز بخاطر نبود رقابت‌پذیری فنی و ضعف بهره‌وری موجب افزایش متناسب و شتابان صادرات نمی‌شود. شاید بتوان گفت که تغییر نرخ ارز در حوزه واردات متناسب‌تر از صادرات عمل می‌کند یعنی افزایش آن موجب کاهش واردات و کاهش آن یا ثبات آن در صورت وجود تورم موجب افزایش واردات می‌شود. جدول (۲) نشان می‌دهد که افزایش نامتناسب نرخ ارز با تورم در سال‌های اخیر موجب شتاب واردات گردیده است

جدول ۲: نرخ ارز و واردات در اقتصاد ایران

سال	نرخ ارز (ریال)	واردات (میلیون دلار)	رشد واردات (درصد)	سال	نرخ ارز (ریال)	واردات (میلیون دلار)	رشد واردات (درصد)
۱۳۵۲	۶۸	۴۷۸۸	-	۱۳۷۰	۱۴۲۰	۲۵۱۹۰	۳۷,۴
۱۳۵۳	۶۸	۹۳۹۹	۹۴,۲	۱۳۷۱	۱۴۹۸	۲۳۲۷۴	-۷,۶
۱۳۵۴	۶۸	۱۵۳۶۲	۶۵,۲	۱۳۷۲	۱۸۰۶	۱۹۲۸۷	-۱۷,۱
۱۳۵۵	۷۱	۱۶۳۴۶	۶,۴	۱۳۷۳	۲۶۳۵	۱۲۶۱۷	-۳۴,۶
۱۳۵۶	۷۱	۱۸۳۹۴	۱۲,۵	۱۳۷۴	۴۰۳۶	۱۲۷۷۴	۱,۲
۱۳۵۷	۱۰۰	۱۳۸۷۲	-۲۴,۶	۱۳۷۵	۴۴۴۶	۱۴۹۸۹	۱۷,۳
۱۳۵۸	۱۴۱	۱۰۰۲۰	-۲۷,۸	۱۳۷۶	۴۷۸۲	۱۴۱۲۳	-۵,۸
۱۳۵۹	۲۰۰	۱۳۴۴۱	۳۴,۱	۱۳۷۷	۶۴۶۸	۱۴۲۸۶	۱,۲
۱۳۶۰	۲۷۰	۱۵۵۱۵	۱۵,۴	۱۳۷۸	۸۶۳۴	۱۳۴۴۳	-۶,۰
۱۳۶۱	۳۵۰	۱۴۳۴۵	-۷,۵	۱۳۷۹	۸۱۳۱	۱۵۰۸۵,۶۲	۱۲,۳
۱۳۶۲	۴۵۰	۲۰۶۰۳	۴۳,۶	۱۳۸۰	۷۹۲۵	۱۸۱۲۸,۸۴	۲۰,۲
۱۳۶۳	۵۸۰	۱۴۴۹۴	-۳۹,۷	۱۳۸۱	۷۹۹۱	۲۲۰۳۶,۲۲	۲۱,۶
۱۳۶۴	۶۱۴	۱۳۷۲۱	-۵,۳	۱۳۸۲	۸۱۷۸	۲۹۵۶۰,۹۱	۳۴,۱
۱۳۶۵	۷۴۲	۱۱۸۲۷	-۱۳,۸	۱۳۸۳	۸۷۴۷	۳۸۱۹۹	۲۹,۲
۱۳۶۶	۹۹۱	۱۳۳۳۶	۱۱,۹	۱۳۸۴	۸۹۱۹	۴۳۰۸۵,۴۸	۱۲,۸
۱۳۶۷	۹۶۶	۱۰۶۰۸	-۱۹,۹	۱۳۸۵	۹۲۲۶	۵۰۰۲۰	۱۶,۱
۱۳۶۸	۱۲۰۷	۱۳۴۴۸	۲۶,۸	۱۳۸۶	۹۳۵۷	۵۸۲۴۰,۱۳	۱۶,۴
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۱۸۳۳۰	۳۶,۳	۱۳۸۷	۹۶۶۷	۶۸۵۳۳	۱۷,۷

منبع: بانک مرکزی

نکته مهم در خصوص نرخ ارز کشور این است که ما رقابت‌پذیری‌های فنی در حوزه صادرات را تأمین نمی‌کنیم و در حوزه رقابت‌پذیری قیمتی نیز با تورم‌های بالا و مستمر مواجهیم که رقابت‌پذیری مذکور را به شدت کاهش می‌دهد. لذا برای تأمین رقابت‌پذیری قیمتی و جبران نبود رقابت‌پذیری فنی و هزینه‌ای و برای جبران تورم باید نرخ ارز را افزایش داد تا صادرات کاهش نیابد.

۴- سازگاری نرخ ارز با ملاحظات سایر بخش و متغیرها

همان طور که قبلاً هم استدلال کردیم اگر با ایجاد نظام ارزی از طریق تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی با کیفیت بالا، بازار رقابتی و عمیق ارز در اقتصاد کشور شکل بگیرد، نرخ که از طریق این بازار تعیین می‌شود تقریباً با مقتضیات بیشتر بخش‌ها و متغیرها سازگاری دارد.

بطور کلی امتیاز ایجاد بازارهای رقابتی این است که در آنها قیمت‌ها نقش تعدیل‌کننده و تصحیح‌کننده پیدا می‌کنند، اما باید توجه داشت که بازار رقابت به نهادهای بسترساز و محیطی خاص نیاز دارد و تنها در صورت تحقق این نهادها و وجود تعداد بیشمار عرضه‌کننده و تقاضاکننده چنین بازار محقق می‌شود. به نظر نگارنده در شرایط کنونی کشور از بازار ارز عمیق و رقابتی برخوردار نیست. از طرفی از آنجا که درآمدهای دولت بطور قابل ملاحظه‌ای از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود جنبه درآمدی دولت در مورد نرخ ارز اقتضای خاص خود دارد.

از طرف دیگر وقتی رقابت‌پذیری فنی و ارتقاء بهره‌وری در حوزه صادرات تأمین نیست و هر سال تورم‌های بالا تجربه می‌شود ملاحظات صادرات غیرنفتی اقتضای افزایش نرخ ارز دارد؛ افزایش نرخ ارز نه برای ایجاد شتاب در صادرات بلکه برای جبران تورم و رقابت‌پذیری پایین فنی و رشد پایین بهره‌وری. جلوگیری از واردات بی‌رویه و واردات قاچاق اقتضای افزایش نرخ ارز را دارد تا واردات را در داخل کشور گران‌تر سازد و ملاحظات پولی نرخ ارز در شرایط وفور درآمد ارزی این است که نرخ ارز باید به گونه‌ای باشد که موجب انباشت ذخایر ارزی در ترازنامه بانک مرکزی نشود تا از این طریق موجب افزایش و سیلان نقدینگی شود. مقتضیات تولید خصوصاً تولید صنایع در کالاهای ارزش‌بر به کاهش یا تثبیت نرخ ارز متمایل است.

در شرایط فوق‌الذکر است که متوجه می‌شویم اگر نظارت صحیح اعمال شود و اگر تقوای مالی رایج باشد نرخ‌های ارز صادراتی و واردات مصرفی باید بالاتر در نظر گرفته شود و نرخ‌های مربوط به واردات تجهیزات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای باید پایین‌تر لحاظ شود. در اقتصاد ایران چون نظارت و تقوای مالی نبود وجود نرخ‌های متعدد در سال‌های پیشین به بروز مفسده‌های زیاد منجر شد و چون تأمین نظارت و تقوای مالی امکان‌پذیر نبود و نیست، با وجودی که هنوز نظام ارز رقابتی در کشور شکل نگرفته بود به تک‌نرخ کردن ارز اقدام شد. البته با اجرای سیاست تک‌نرخ حداقل از مفسده‌های فوق‌الذکر جلوگیری شد.

۵- نرخ‌های ارز رقابتی یا نرخ‌های مدیریت شده و دستوری؟

بر اساس مباحث گذشته باید گفت که تنها وقتی نرخ ارز توسط نیروهای بازار تعیین می‌شوند که ما نظام ارزی و بازار رقابتی و عمیق ارز داشته باشیم. در نگاه کلی مثلاً اگر اقتصاد با کمبود شدید ارزی مواجه باشد و مازاد تقاضای واقعی ارز بالا باشد و دولت برای نرخ ارز یک سقف تعیین کند که با قیمت تسویه‌کننده بازار فاصله زیادی داشته باشد نرخ دستوری و نرخ تعیین شده توسط بازار بطور واضح و آشکار از هم متمایز می‌شوند.

اما در مواقع وفور درآمدهای ارزی خصوصاً اگر این وفور تداوم داشته باشد، فوراً ادعا می‌شود که نرخ‌های ارز موجود، نرخ ارزی است که در بازار تعیین شده است و نیروهای رقابت بازاری آن را تعیین کرده‌اند یا اینکه حداقل ادعا می‌شود که نظام ارزی ما شناور مدیریت شده است. اساساً وقتی اعداد و ارقام رسمی بانک مرکزی نشانگر این است که در سال‌های اخیر همه ارزهای خریداری شده توسط بانک مرکزی با مشکل تقاضای واردات‌کنندگان رسمی مواجه بوده است این خود گویای آن است که ما بازار ارزی نداریم که در آن قیمت تسویه‌کننده بازار و برابرکننده عرضه و تقاضای ارز است و گرنه نقدینگی کشور از ناحیه انباشت ذخایر ارزی در بانک مرکزی این طور افزایش نمی‌یافت. جدول (۳) به وضوح نشان می‌دهد که خالص دارایی‌های بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۷۷ به بعد با افزایش قابل توجهی مواجه گردیده است که این بیانگر این موضوع است که بانک مرکزی در فروش ارزهای خریداری شده خود با مشکل مواجه بوده و در چنین شرایطی نمی‌توان نرخ ارز موجود را نرخ ارز تعیین شده توسط نیروهای بازار دانست.

جدول ۳: خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی

سال	خالص دارایی‌های خارجی (میلیارد ریال)	نرخ رشد (درصد)
۱۳۷۷	۲۴۶۵,۴	-
۱۳۷۸	۴۴۴۹,۸	۸۰,۵
۱۳۷۹	۷۵۷۶,۸	۷۰,۳
۱۳۸۰	۱۱۷۴۰,۸	۵۵,۰
۱۳۸۱	۸۱۳۸۷,۵	۵۹۳,۲
۱۳۸۲	۱۱۸۰۴۲,۶	۴۵,۰
۱۳۸۳	۱۸۳۲۷۹,۴	۵۵,۳
۱۳۸۴	۲۵۷۵۶۷	۴۰,۵
۱۳۸۵	۳۷۱۱۹۵,۴	۴۴,۱
۱۳۸۶	۴۳۸۶۳۰,۲	۱۸,۲
۱۳۸۷	۵۶۴۰۳۸,۱	۲۸,۶

منبع: بانک مرکزی

البته قاعده کلی بازار در همه جا صادق است، یعنی در شرایط وفور ارزی می‌توان قیمت‌ها را چنان کاهش داد تا مازاد عرضه ارز متنفی شود که این ممکن است به صادرات صدمه شدید وارد کند و واردات بی‌رویه را شتاب بخشد و در مواقع کمبود ارز (بخاطر مثلاً کاهش قیمت نفت) قیمت ارز تمایل شدید به افزایش پرشتاب پیدا می‌کند، اما بایستی گفت درست است که قاعده کلی بازار در اینجا نیز صادق است ولی کسی به چنین وضعیتی بازار رقابتی عمیق اطلاق نمی‌کند. در بازار رقابتی قیمت‌ها باثبات هستند و تغییرات ملایم و تصحیح‌کننده از خود نشان می‌دهند نه تغییرات شدید و اختلال‌زا. البته همان طور که متذکر شدیم عده‌ای معتقدند (که تعدادشان هم کم نیست) که ما بازار ارز داریم و نرخ ارز از طریق بازار تعیین می‌شود که اگر با معیارهای علمی و فنی قضاوت کنیم نزاع موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

۶- تجربه تغییرات نرخ ارز در اقتصاد ایران و ارتقاء صادرات غیرنفتی

همان طور که از جدول (۴) پیداست تغییرات نرخ ارز که در دهه ۱۳۷۰ بطور مستمر و بطور شدید در حال افزایش بوده است صادرات غیرنفتی را شتاب بخشیده است. دلیل فنی این قضیه به نبود رقابت‌پذیری فنی و تکنولوژیکی و انضباط مالی بنگاه‌ها و پایین بودن رشد بهره‌وری مربوط می‌شود. یعنی تا وقتی رقابت‌پذیری فنی و رشد بهره‌وری را تأمین نکنیم شتاب صادرات از طریق ابزارهای قیمتی غیرممکن خواهد بود.

یک دلیل دیگر شتاب نگرفتن صادرات غیرنفتی به این برمی‌گردد که نرخ ارز را به خاطر اصلاح قیمت‌های نسبی افزایش می‌دادیم اما به خاطر نبود بسترهای مقدماتی و عدم اجرای صحیح برنامه‌های تعدیل وقتی نرخ ارز را افزایش می‌یافت، هزینه‌های ریالی صادرکننده نیز بطور متناسب یا حتی بیشتر از حد تناسب افزایش می‌یافت. هزینه‌های ارزی تولید کالاهای صادراتی نیز بسته به وزن و اهمیتی که در کل هزینه‌های تولید این نوع کالاها داشت، افزایش نرخ ارز را بی‌تأثیر می‌کرد.

اساساً وقتی قیمت X را برای اصلاح تخصیص منابع در اقتصاد بالا می‌بریم منظورمان این است که نسبت قیمت X به قیمت Y پایین است. بنابراین باید قیمت X را بالا برد تا نسبت قیمت این دو کالا تصحیح شود و تخصیص منابع را بهبود بخشید، زیرا تخصیص منابع بر قیمت‌های نسبی مبتنی است نه قیمت‌های مطلق. اگر وقتی قیمت X را بالا می‌بریم قیمت Y هم به هر دلیلی به اندازه قیمت X یا حتی بیشتر افزایش یابد، قیمت‌های نسبی و تخصیص منابع بهتر نمی‌شود. ولی در هر صورت افزایش‌های نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی بی‌تأثیر نبوده است اما تأثیرش اندک بوده است.

جدول ۴: نرخ ارز و صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران

سال	نرخ ارز (ریال)	صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)	نرخ رشد (درصد)	سال	نرخ ارز (ریال)	صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)	نرخ رشد (درصد)
۱۳۵۲	۶۸	۶۳۵		۱۳۷۰	۱۴۲۰	۲۶۴۹	۱۰۱٫۹
۱۳۵۳	۶۸	۵۸۲	-۸٫۳	۱۳۷۱	۱۴۹۸	۲۹۸۸	۱۲٫۸
۱۳۵۴	۶۸	۵۹۲	۱٫۷	۱۳۷۲	۱۸۰۶	۳۷۴۷	۲۵٫۴
۱۳۵۵	۷۱	۵۴۰	-۸٫۸	۱۳۷۳	۲۶۳۵	۴۸۳۱	۲۸٫۹
۱۳۵۶	۷۱	۵۲۳	-۳٫۱	۱۳۷۴	۴۰۳۶	۳۲۵۷	-۳۲٫۶
۱۳۵۷	۱۰۰	۵۴۳	۳٫۸	۱۳۷۵	۴۴۴۶	۳۱۲۰	-۴٫۲
۱۳۵۸	۱۴۱	۸۱۲	۴۹٫۵	۱۳۷۶	۴۷۸۲	۲۹۱۰	-۶٫۷
۱۳۵۹	۲۰۰	۶۴۵	-۲۰٫۶	۱۳۷۷	۶۴۶۸	۳۱۸۵	۹٫۵
۱۳۶۰	۲۷۰	۳۴۰	-۴۷٫۳	۱۳۷۸	۸۶۳۴	۳۹۴۱	۲۳٫۷
۱۳۶۱	۳۵۰	۲۸۴	-۱۶٫۵	۱۳۷۹	۸۱۳۱	۴۱۸۱	۶٫۱
۱۳۶۲	۴۵۰	۳۵۷	۲۵٫۷	۱۳۸۰	۷۹۲۵	۴۵۶۵	۹٫۲
۱۳۶۳	۵۸۰	۳۶۱	۱٫۱	۱۳۸۱	۷۹۹۱	۵۲۷۱	۱۵٫۵
۱۳۶۴	۶۱۴	۴۶۵	۲۸٫۸	۱۳۸۲	۸۱۷۸	۶۶۳۶	۲۵٫۹
۱۳۶۵	۷۴۲	۹۱۶	۹۷٫۰	۱۳۸۳	۸۷۴۷	۷۵۳۷	۱۳٫۶
۱۳۶۶	۹۹۱	۱۱۶۱	۲۶٫۷	۱۳۸۴	۸۹۱۹	۱۰۵۴۶	۳۹٫۹
۱۳۶۷	۹۶۶	۱۰۳۶	-۱۰٫۸	۱۳۸۵	۹۲۲۶	۱۴۰۴۴	۳۳٫۲
۱۳۶۸	۱۲۰۷	۱۰۴۴	۰٫۸	۱۳۸۶	۹۳۵۷	۱۶۱۰۱	۱۴٫۷
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۱۳۱۲	۲۵٫۷	۱۳۸۷	۹۶۶۷	۱۸۷۱۷	۱۶٫۲

منبع: بانک مرکزی

۷- تنگنای رقابت پذیری بیشتر به نرخ ارز مربوط است یا تورم؟

رقابت پذیری واقعی با تأمین استانداردهای کیفی و ارتقاء بهره‌وری و ابداع و نوآوری تکنولوژیکی تحقق می‌یابد. رقابت پذیری قیمتی بعد از رقابت پذیری واقعی مطرح است، اما در هر حال قیمت می‌تواند کاستی‌های رقابت پذیری فنی را جبران کند و برعکس. در مورد رقابت پذیری قیمتی سه متغیر نقش دارند:

۱- تورم داخلی

۲- تورم خارجی

۳- نرخ ارز

افزایش تورم خارجی و نرخ ارز موجب افزایش رقابت پذیری قیمتی کشور و افزایش تورم داخلی موجب کاهش آن می‌شود. در مورد کشورهای طرف تجاری ما می‌توان گفت که آنها دارای تورم‌های بسیار پایین هستند اما تورم در کشور ما مستمر و بالاست. وجود و تداوم تورم موجب کاهش رقابت پذیری کالاهای صادراتی می‌شود. لذا برای جبران افت رقابت پذیری قیمتی ناشی از تورم باید نرخ ارز را بطور متناسب افزایش داد تا کاهش رقابت پذیری فوق جبران شود. اما نرخ ارز اگر توسط نیروهای بازار تعیین شود ممکن است متناسب با تورم تغییر نکند، یا اگر توسط نیروهای رقابت پذیری تعیین نشود ممکن است افزایش آن هزینه‌های تولید کالاهای ارزبر و صادراتی را افزایش دهد یا موجب تحریک انتظارات تورمی شود.

بنابراین اگر تغییرات نرخ ارز به آسانی امکان‌پذیر نباشد یا انجام آن بدون هزینه نباشد باید سعی در کاهش دادن تورم نمود. تورم یک شاخص عدم تعادل در اقتصاد است که هزینه‌های زیادی بر اقتصاد تحمیل می‌کند. لذا در چارچوب برنامه بلندمدت به جای اینکه تورم مستمر را به رسمیت بشناسیم و بعد بگوییم چون تورم ۲۰ درصد داریم باید ۲۰ درصد نرخ بهره اضافه کرد و ۲۰ درصد به نرخ ارز نیز اضافه کرد تا تورم را جبران کند، باید این طور گفت که حتماً باید تورم را کاهش داد تا نیازی به افزایش نرخ ارز نباشد. تورم افق تصمیم‌گیری کارآفرینان را محدود و مکدر می‌کند، بهره‌وری را کاهش می‌دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری را محدود می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد تورم برای کاهش رقابت‌پذیری بسیار با اهمیت‌تر است تا ثبات نرخ ارز.

۸- نرخ‌های ارز تجربه شده در اقتصاد ایران و وضعیت حساب جاری

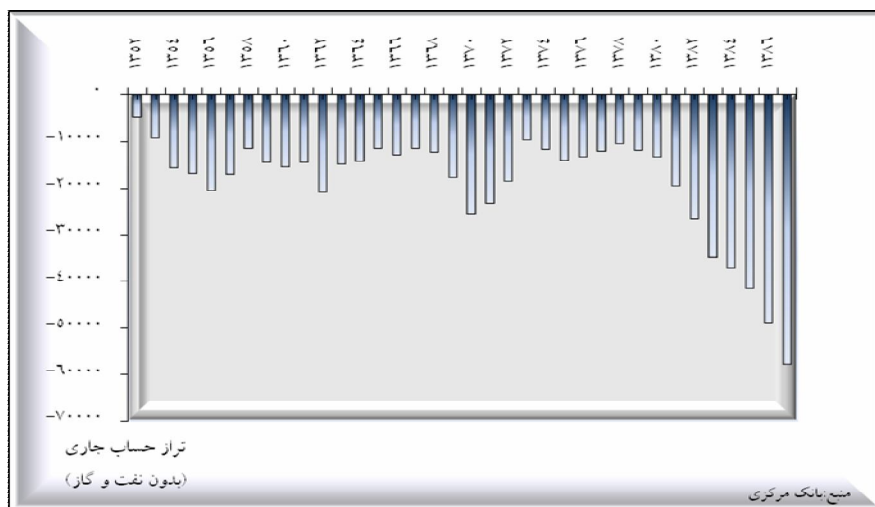
اگر بخواهیم اثرات واقعی تغییر نرخ ارز بر حساب جاری را بررسی کنیم باید صادرات نفت و گاز را در نظر بگیریم، زیرا افزایش قیمت نفت و افزایش درآمد حاصل از صادرات نفت مسئله‌ای کاملاً برون‌زا است و بنابراین باید تنها صادرات غیرنفتی را منظور نمود. همانطور که از جدول (۵) و نمودار (۲) ملاحظه می‌شود علی‌رغم افزایش نرخ ارز وضعیت حساب جاری در شرایط عدم احتساب صادرات نفت و گاز همواره منفی بوده ضمن اینکه کسری موجود روندی افزایشی نیز داشته است.

نمودار ۲: تراز حساب جاری بدون احتساب صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)

جدول ۵: نرخ ارز و تراز حساب جاری با و بدون احتساب صادرات نفت و گاز

سال	نرخ ارز (ریال)	تراز حساب جاری (میلیون دلار)	تراز حساب جاری بدون نفت (میلیون دلار)	سال	نرخ ارز (ریال)	تراز حساب جاری (میلیون دلار)	تراز حساب جاری بدون نفت (میلیون دلار)
۱۳۵۲	۶۸	۳۵۵۵	-۴۷۶۳	۱۳۷۰	۱۴۲۰	-۹۴۴۸	-۲۵۴۶۰
۱۳۵۳	۶۸	۱۱۷۹۳	-۹۲۲۱	۱۳۷۱	۱۴۹۸	-۶۵۰۴	-۳۳۳۸۴
۱۳۵۴	۶۸	۴۳۶۰	-۱۵۶۷۴	۱۳۷۲	۱۸۰۶	-۴۲۱۵	-۱۸۵۴۸
۱۳۵۵	۷۱	۷۳۳۳	-۱۶۹۴۶	۱۳۷۳	۲۶۳۵	۴۹۵۶	-۹۶۴۷
۱۳۵۶	۷۱	۳۰۳۷	-۲۰۴۱۴	۱۳۷۴	۴۰۳۶	۳۳۵۸	-۱۱۷۴۵
۱۳۵۷	۱۰۰	-۱۳۵۳	-۱۷۰۱۳	۱۳۷۵	۴۴۴۶	۵۲۳۲	-۱۴۰۳۹
۱۳۵۸	۱۴۱	۱۲۷۸۴	-۱۱۳۷۴	۱۳۷۶	۴۷۸۲	۲۲۱۳	-۱۳۲۵۸
۱۳۵۹	۲۰۰	-۲۷۴۰	-۱۴۳۸۸	۱۳۷۷	۶۴۶۸	-۲۱۴۰	-۱۲۰۷۳
۱۳۶۰	۲۷۰	-۴۸۱۵	-۱۵۴۳۴	۱۳۷۸	۸۶۳۴	۶۵۸۹	-۱۰۵۰۰
۱۳۶۱	۳۵۰	۷۳۶۸	-۱۴۴۳۰	۱۳۷۹	۸۱۳۱	۱۲۵۰۰	-۱۱۷۷۹
۱۳۶۲	۴۵۰	۳۵۸	-۲۰۷۹۲	۱۳۸۰	۷۹۲۵	۵۹۸۴	-۱۳۳۵۴
۱۳۶۳	۵۸۰	۱۹۲۴	-۱۴۸۰۲	۱۳۸۱	۷۹۹۱	۳۵۸۵	-۱۹۳۸۱
۱۳۶۴	۶۱۴	-۴۷۶	-۱۴۱۸۶	۱۳۸۲	۸۱۷۸	۸۱۶	-۳۶۵۳۹
۱۳۶۵	۷۴۲	-۵۱۵۵	-۱۱۴۱۰	۱۳۸۳	۸۷۴۷	۱۴۴۲	-۳۴۸۷۳
۱۳۶۶	۹۹۱	-۲۰۹۰	-۱۲۸۴۵	۱۳۸۴	۸۹۱۹	۱۶۶۳۷	-۳۷۱۸۳
۱۳۶۷	۹۶۶	-۱۸۶۹	-۱۱۵۴۲	۱۳۸۵	۹۲۲۶	۲۰۴۰۲	-۴۱۶۰۹
۱۳۶۸	۱۲۰۷	-۱۹۱	-۱۲۲۲۸	۱۳۸۶	۹۳۵۷	۳۲۵۷۱	-۴۸۹۹۶
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۳۲۷	-۱۷۶۶۶	۱۳۸۷	۹۶۶۷	۲۳۹۸۷	-۵۷۸۶۸

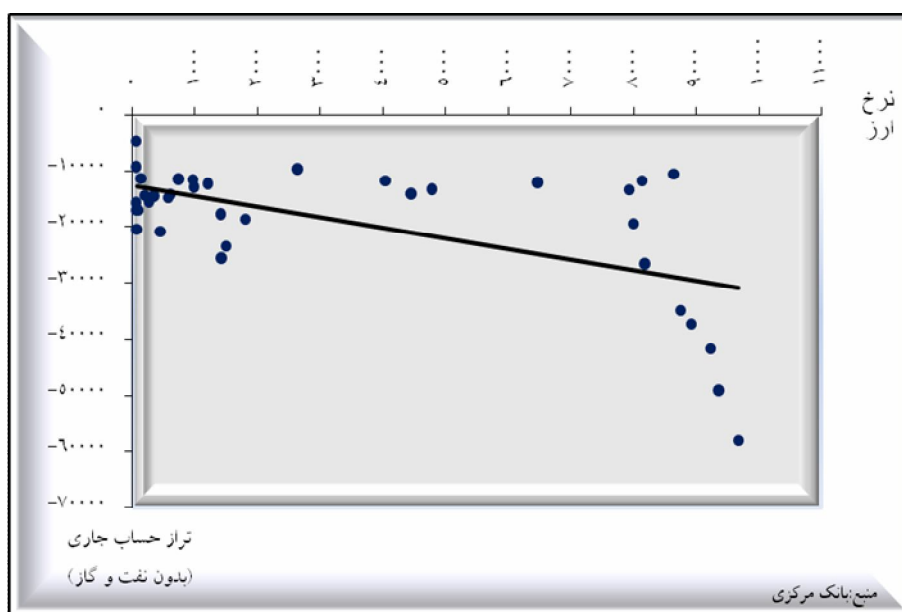
منبع: بانک مرکزی



دلیل کسری مداوم و افزایشی حساب جاری این است که کشش عرضه صادرات و کشش تقاضای واردات در کشور ما بسیار پایین است، اما کشش عرضه صادرات کشورهای خارجی و کشش واردات آنها از ایران بسیار بالا است و این خود گویای این است که تا ما بسترهای فنی، نهادی و حقیقی را برای صادرات مستمر و پرشتاب و متنوع آماده نکنیم و به استانداردهای کیفی توجه نکنیم وضعیت کشش‌ها به همین صورت باقی خواهد ماند. مشکل عمده‌تر مشکل نهادی، حقیقی و فنی است. در نمودار (۳) مشاهده می‌شود که رابطه بین نرخ ارز و کسری تجاری به جای اینکه رابطه‌ای منفی باشد رابطه مثبت به دست آمده که این بیانگر این مطلب است که مشکل صادرات ایران مشکلی نهادی، حقیقی و فنی است که با افزایش نرخ ارز حل نخواهد شد.

البته نرخ ارز نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد، زیرا در کشوری که به طور مستمر تورم بالا و دو رقمی را تجربه می‌کند اگر نرخ ارز تثبیت شده باشد پس از مدتی صادرات محدود می‌شود و واردات کالاهای مصرفی به صرفه‌تر می‌شود. اما آمار مربوط به نسبت و سهم کالاهای نهاده‌ای، سرمایه‌ای و واسطه‌ای از کل واردات حکایت از این دارد که وابستگی کشور به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیز در وضعیت موجود حساب جاری کشور نقش داشته است و اساساً همین وابستگی است که تا حد زیادی ثبات و تثبیت نرخ ارز در اقتصاد کشور را توجیه می‌کند.

نمودار ۳: رابطه نرخ ارز و تراز حساب جاری در شرایط عدم احتساب صادرات نفت و گاز



۹- آیا در اقتصاد ایران تغییرات نرخ ارز می‌تواند انعکاسی از وضعیت متغیرهای مبنایی اقتصاد باشد؟

نرخ ارز یک رابطه مبادله است و به خودی خود رابطه دو واحد پولی را نشان می‌دهد اما این تغییرات نرخ ارز است که انعکاس‌دهنده وضعیت‌های اقتصادی و حتی سیاسی اجتماعی یک کشور است. مثلاً وقتی قیمت هر دلار از ۷۰ ریال شروع به افزایش می‌کند و تا ۱۰۰۰۰ افزایش می‌یابد این حکایت از یک سری واقعیتهای اقتصادی و یک سری واقعیتهای سیاسی- اجتماعی در چارچوب قلمرو ملی و روابط بین‌الملل دارد؛ تغییر واقعیتهای اقتصادی مثل بی‌انضباطی‌های پولی و مالی، تداوم تورم‌های بالا در کشور، وابستگی بودجه به درآمدهای غیرمالیاتی، کندی آهنگ رشد تولید و اشتغال، صادرات محدود و پردردسر و واردات آسان و فراوان، عدم شفافیت در بودجه دولت و شرکت‌های دولتی و نظایر آن. واقعیتهای سیاسی، اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی نیز مثل جنگ، اعمال شوک درمانی‌های پیاپی در اقتصاد، وجود تنش‌های فراوان در روابط بین‌المللی کشور با خارج و غیره. بنابراین تغییرات نرخ‌های ارز خارجی در کشور می‌تواند انعکاس‌دهنده جایگاه نسبی اقتصاد کشور نسبت به شرکای خارجی‌اش باشد.

یک جنبه دیگر معناداری به انعکاس یافتن وضعیت نیروهای اقتصادی در نرخ‌های ارز بر می‌گردد. یعنی نرخ ارز بتواند به عوامل اقتصادی علامت دهد؛ وضعیت تورم و نقدینگی را انعکاس دهد و ... به نظر نگارنده چون ما نظام ارزی و بازار ارز رقابتی و عمیق نداریم نرخ‌های ارز موجود از انعکاس دادن واقعیتهای محوری اقتصاد عاجزند. در جدول (۶) ملاحظه می‌شود که علی‌رغم وجود تورم دو رقمی در کشور طی سال‌های اخیر و همچنین نرخ رشد بالای نقدینگی، نرخ ارز افزایش متناسبی نداشته است و این بیانگر این خواهد بود که نرخ ارز موجود واقعیتهای اقتصاد کشور را انعکاس نمی‌دهد.

البته در اقتصادهای پیشرفته هم چون ارز یک کالای جداگانه محسوب می‌شود و دارای بازارهای آتی و جاری است این طور نیست که نرخ ارز آنها آینه تمام نمای واقعیتهای اقتصادی آنها باشد و بطور دقیق آنها را منعکس کند زیرا شرایط کمبود و وفور ارزی و شرایط بین‌المللی نیز نرخ ارز آنها را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشور ما این

مسئله با شدت بیشتر خودنمایی می کند زیرا وقتی قیمت نفت افزایش می یابد ذخایر ارزی ما افزایش می یابد و وفور ارز موجب تثبیت قیمت آن می شود. در حالی که نیروهای بنیادی اقتصاد هیچ تغییر نکرده است. نبود نظام ارزی به قطع ارتباط شرایط بازار ارز با نیروهای بنیادی اقتصاد کمک می کند. اگر صادرات ما از کالاهای متنوع، با کیفیت و فن آوری بالا و دارای تقاضای جهانی زیاد تشکیل شود در آن صورت است که نرخ ارز با واقعیت های اقتصاد درگیر می شود و به تعامل می پردازد و تغییراتش می تواند انعکاس دهنده واقعیت های بنیادی اقتصاد باشد.

جدول ۶: وضعیت نرخ ارز، نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران

سال	نرخ ارز		نقدینگی		تورم	سال	نرخ ارز		نقدینگی		تورم
	مقدار	رشد	مقدار	رشد			مقدار	رشد	مقدار	رشد	
۱۳۵۲	۶۸		۵۱۷,۵		۸,۳	۱۳۷۰	۱۴۲۰	۰,۶	۲۸۶۲۸,۴	۲۴,۶	۲۰,۶
۱۳۵۳	۶۸	۰,۰	۸۱۳,۷	۵۷,۲	۱۵,۴	۱۳۷۱	۱۴۹۸	۵,۵	۳۵۸۶۶	۲۵,۳	۲۴,۴
۱۳۵۴	۶۸	۰,۰	۱۱۴۹,۵	۴۱,۳	۶,۷	۱۳۷۲	۱۸۰۶	۲۰,۶	۴۸۱۳۵	۳۴,۲	۲۲,۵
۱۳۵۵	۷۱	۴,۴	۱۶۲۵,۷	۴۱,۴	۱۸,۸	۱۳۷۳	۲۶۳۵	۴۵,۹	۶۱۸۴۳,۹	۲۸,۵	۳۵,۲
۱۳۵۶	۷۱	۰,۰	۲۱۳۹,۴	۳۱,۶	۲۶,۳	۱۳۷۴	۴۰۳۶	۵۳,۲	۸۵۰۷۲,۲	۳۷,۶	۴۹,۱
۱۳۵۷	۱۰۰	۴۰,۸	۲۵۷۸,۶	۲۰,۵	۸,۳	۱۳۷۵	۴۴۴۶	۱۰,۲	۱۱۶۵۵۲,۶	۳۷,۰	۲۳,۰
۱۳۵۸	۱۴۱	۴۱,۰	۳۶۲۸,۳	۴۰,۷	۱۱,۵	۱۳۷۶	۴۷۸۲	۷,۶	۱۳۴۲۸۶,۳	۱۵,۲	۱۷,۴
۱۳۵۹	۲۰۰	۴۱,۸	۴۵۰۸,۱	۲۴,۲	۲۴,۱	۱۳۷۷	۶۴۶۸	۳۵,۳	۱۶۰۴۰۱,۵	۱۹,۴	۱۸,۱
۱۳۶۰	۲۷۰	۳۵,۰	۵۲۳۶,۱	۱۶,۱	۲۲,۲	۱۳۷۸	۸۶۳۴	۳۳,۵	۱۹۲۶۸۹,۲	۲۰,۱	۲۰,۰
۱۳۶۱	۳۵۰	۲۹,۶	۶۴۳۰,۷	۲۲,۸	۲۰,۵	۱۳۷۹	۸۱۳۱	۵,۸-	۲۴۹۱۱۰,۷	۲۹,۳	۱۲,۸
۱۳۶۲	۴۵۰	۲۸,۶	۷۵۱۴,۴	۱۶,۹	۱۳,۲	۱۳۸۰	۷۹۲۵	۲,۵-	۳۲۰۹۵۷,۳	۲۸,۸	۱۱,۳
۱۳۶۳	۵۸۰	۲۸,۹	۷۹۶۶,۹	۶,۰	۱۱,۷	۱۳۸۱	۷۹۹۱	۰,۸	۴۱۷۵۲۴	۳۰,۱	۱۵,۷
۱۳۶۴	۶۱۴	۵,۹	۹۰۰۲,۱	۱۳,۰	۶,۰	۱۳۸۲	۸۱۷۸	۲,۳	۵۲۶۵۹۶,۴	۲۶,۱	۱۵,۶
۱۳۶۵	۷۴۲	۲۰,۸	۱۰۷۲۲,۶	۱۹,۱	۲۳,۹	۱۳۸۳	۸۷۴۷	۷,۰	۶۸۵۶۹۷,۵	۳۰,۲	۱۵,۳
۱۳۶۶	۹۹۱	۳۳,۶	۱۲۶۶۸,۲	۱۸,۱	۲۸,۴	۱۳۸۴	۸۹۱۹	۲,۰	۹۲۱۰۱۹,۴	۳۴,۳	۱۰,۴
۱۳۶۷	۹۶۶	-۲,۵	۱۵۶۸۷,۶	۲۳,۸	۲۸,۳	۱۳۸۵	۹۲۲۶	۳,۴	۱۲۸۴۱۹۹,۴	۳۹,۴	۱۱,۹
۱۳۶۸	۱۲۰۷	۲۴,۹	۱۸۷۵۳,۳	۱۹,۵	۱۷,۹	۱۳۸۶	۹۳۵۷	۱,۴	۱۶۴۰۲۹۳	۲۷,۷	۱۸,۴
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۱۷,۰	۲۲۹۶۹,۵	۲۲,۵	۸,۸	۱۳۸۷	۹۶۶۷	۳,۳	۱۹۰۱۳۶۶	۱۵,۹	۲۵,۴

منبع: بانک مرکزی

۱۰- نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده می توان این نتیجه را گرفت که اگر قرار باشد تغییرات نرخ ارز با مقتضیات و شرایط همه بخش ها سازگار و متناسب باشد باید به تقویت نیروهای بازار همت گماشت و به سمت ایجاد نظام ارزی و بازار رقابتی و عمیق ارز حرکت کرد. تا زمانی که اقتصاد به طور عمیق رقابتی و بازارمحور نباشد مقتضیات بخش ها برای نرخ ارز متفاوت خواهد بود و اساساً در چنین وضعیتی نرخ ارز انعکاس دهنده وضعیت نیروهای بنیانی اقتصاد نخواهد بود. لذا برای دوره گذار تا رسیدن به نظام ارزی رقابتی باید ملاحظات هر بخش را مد نظر داشت و با لحاظ شرایط همه بخش ها و اولویت آنها سیاست گذاری کرد.

۱۱- منابع و مآخذ

- ۹- شاکری، عباس (۱۳۸۱)، اثر تک نرخي کردن ارز بر متغيرهای کلان، مرکز پژوهشهای مجلس.
۱۰- شاکری، عباس (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان، جلد اول.

سایت‌ها

- ۷- سایت بانک مرکزی

صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران

۱- مقدمه

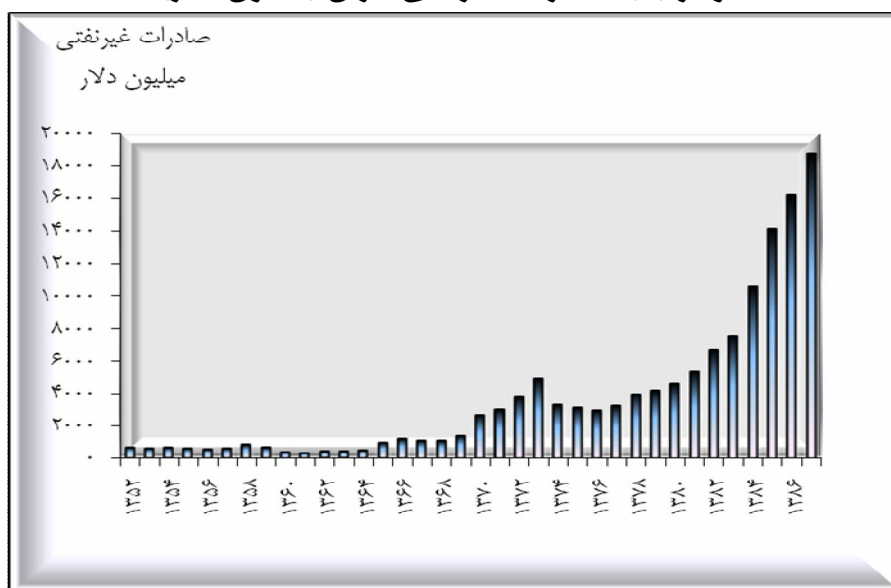
صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران یک متغیر کلیدی است زیرا رونق آن نشانه وجود و تداوم رقابت‌پذیری اقتصاد کشور است و هم خود علت برای رشد مستمر و رقابت‌پذیری اقتصاد است. عملکرد صادرات غیرنفتی و روند آن در ایران وضعیت مطلوبی نداشته است. اگرچه انبوه واردات کالاها و خدمات به کشور طی سالیان گذشته به طور مستمر از طریق درآمدهای ناشی از صادرات نفت تأمین مالی شده است اما کندی صادرات غیرنفتی هم رشد بهره‌وری و هم تأمین نیازهای ارزی در آینده را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین در این بررسی وضعیت این متغیر کلیدی را در دهه گذشته در اقتصاد ایران بررسی نموده و علل کندی رشد آن را توضیح داده و در پایان راهکارهای پیشنهادی را برای ارتقا آن ادامه می‌دهیم.

۲- وضعیت صادرات غیرنفتی در ۴ دهه گذشته

همان‌طور که از جدول و نمودار (۱) ملاحظه می‌شود روند تغییرات صادرات در طول ۴ دهه گذشته چندان نویدبخش نیست و صادرات کشور آن‌طور که از تجربه کشورهای از قبیل کره، ژاپن و حتی ترکیه مشاهده می‌شود هیچ وقت شتاب نگرفته است. این امر در کلیت مدعای ما در مورد اینکه تا وقتی حداقلی از ساختارهای فنی، نهادی و قانونی تأمین نشود قیمت‌های مرتبط نمی‌توانند اثرات قابل ملاحظه و معنی‌دار بر مقادیر داشته باشند را تأیید می‌کند.

بر اساس جدول و نمودار (۱) صادرات غیرنفتی کشور در دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ نه تنها رشد نداشته است بلکه اندکی کاهش هم یافته است. در ابتدای جنگ تحمیلی صادرات مذکور در کشور کاهش یافته است اما پس از آن رو به افزایش گذارده است و از رشد مناسبی برخوردار شده است. در دوران بازسازی پس از جنگ صادرات غیرنفتی کشور رو به افزایش گذارده اما شتاب نگرفته است. در سال‌های اخیر رقم مربوط به صادرات غیرنفتی افزایش چشمگیری نشان داده است اما باید توجه داشت که این افزایش‌ها به خاطر لحاظ کردن صادرات مواد پتروشیمی گاز تحت عنوان صادرات غیرنفتی است. این روند افزایشی ملایم صادرات غیرنفتی در حالی ادامه یافته است که در طول چهار دهه گذشته نرخ ارز در دهه ۱۳۴۰ روند کاهشی داشته، در دهه ۱۳۵۰ تقریباً حالت یکنواخت داشته، در دوره جنگ اگر چه نرخ ارز بازار آزاد رو به افزایش گذارده است اما نرخ ارز صادراتی افزایش نداشته و در طول اجرای برنامه‌های اول، دوم و سوم بعد از انقلاب نرخ ارز به شدت افزایش یافته است و از برنامه چهارم توسعه نرخ ارز تقریباً تثبیت شده است.

نمودار (۱): صادرات غیرنفتی ایران (میلیون دلار)



جدول ۱: وضعیت صادرات غیرنفتی ایران (میلیون دلار)

سال	صادرات غیر نفتی	رشد صادرات غیرنفتی	سال	صادرات غیر نفتی	رشد صادرات غیرنفتی
۱۳۵۲	۶۳۵	-	۱۳۷۰	۲۶۴۹	۱۰۱,۹
۱۳۵۳	۵۸۲	-۳,۸	۱۳۷۱	۲۹۸۸	۱۲,۸
۱۳۵۴	۵۹۲	۱,۷	۱۳۷۲	۳۷۴۷	۲۵,۴
۱۳۵۵	۵۴۰	-۸,۸	۱۳۷۳	۴۸۳۱	۲۸,۹
۱۳۵۶	۵۲۳	-۳,۱	۱۳۷۴	۳۲۵۷	-۳۲,۶
۱۳۵۷	۵۴۳	۳,۸	۱۳۷۵	۳۱۲۰	-۴,۲
۱۳۵۸	۸۱۲	۴۹,۵	۱۳۷۶	۲۹۱۰	-۶,۷
۱۳۵۹	۶۴۵	-۲۰,۶	۱۳۷۷	۳۱۸۵	۹,۵
۱۳۶۰	۳۴۰	-۴۷,۳	۱۳۷۸	۳۹۴۱	۲۳,۷
۱۳۶۱	۲۸۴	-۱۶,۵	۱۳۷۹	۴۱۸۰,۹۹	۶,۱
۱۳۶۲	۳۵۷	۲۵,۷	۱۳۸۰	۴۵۶۵,۴۳	۹,۲
۱۳۶۳	۳۶۱	۱,۱	۱۳۸۱	۵۲۷۱	۱۵,۵
۱۳۶۴	۴۶۵	۲۸,۸	۱۳۸۲	۶۶۳۵,۹۸	۲۵,۹
۱۳۶۵	۹۱۶	۹۷,۰	۱۳۸۳	۷۵۳۷	۱۳,۶
۱۳۶۶	۱۱۶۱	۲۶,۷	۱۳۸۴	۱۰۵۴۶	۳۹,۹
۱۳۶۷	۱۰۳۶	-۱۰,۸	۱۳۸۵	۱۴۰۴۳,۵۱	۳۳,۲
۱۳۶۸	۱۰۴۴	۰,۸	۱۳۸۶	۱۶۱۰۱,۳۴	۱۴,۷
۱۳۶۹	۱۳۱۲	۲۵,۷	۱۳۸۷	۱۸۷۱۷	۱۶,۲

منبع: بانک مرکزی

۲- عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی در ایران

کارهای تجربی زیادی در مورد عوامل تعیین صادرات غیرنفتی ایران انجام شده است بیشتر این مطالعات تجربی اثر متغیرهای قیمتی بر صادرات را برآورد کرده‌اند. در جدول (۲) خلاصه‌ای از مطالعات تجربی انجام شده ارائه شده است. همان‌طور که از این جدول ملاحظه می‌شود بیشتر متغیرهای توضیح‌دهنده صادرات غیرنفتی در مطالعات انجام شده

متغیرهای قیمتی هستند مثل نرخ ارز، قیمت کالاهای داخلی، قیمت کالاهای خارجی، نرخ تورم، درآمد خارجی‌ها، درآمد کشور، حجم نقدینگی و غیره.

شاگری (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای یک معادله برای توصیف صادرات غیرنفتی برآورد کرده است که در آن عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی عبارتند از:

- ۱- نرخ ارز
- ۲- بهره‌وری
- ۳- رقابت‌پذیری
- ۴- نرخ تورم کشور

ضرایب برآورد شده این معادله گویای آن است که نرخ ارز، بهره‌وری و رقابت‌پذیری بر صادرات غیرنفتی ایران تأثیر مثبت دارند اما نرخ تورم بر صادرات مذکور اثر منفی داشته است. طبق نتایج این مدل در وهله اول این رشد بهره‌وری و رقابت‌پذیری است که صادرات غیرنفتی را در روند افزایش و شتاب قرار می‌دهد، البته تأثیر نرخ ارز هم یک واقعیت است اما تعیین‌کننده نیست. نتیجه این بررسی گویای این است که تنها بعد از تأمین رقابت‌پذیری و تحقق بهره‌وری پایدار است که نرخ ارز به صادرات علامت می‌دهد و با افزایش آن صادرات افزایش یافته و شتاب می‌گیرد و این خود مصداقی از یک قاعده کلی است که قیمت‌ها وقتی علائم صحیح می‌دهند که حد معینی از اصلاحات ساختاری تأمین شده باشد.

جدول ۲: خلاصه‌ای از مطالعات تجربی انجام شده

پژوهشگر	روش پژوهش	متغیرهای توضیح‌دهنده صادرات غیرنفتی
۱ محسن خان (۱۹۷۴)	اقتصاد سنجی	ارزش صادرات، قیمت جهانی، درآمد واقعی کشورهای جهان، قیمت داخلی، درآمد داخلی
۲ آلن دردورف (۱۹۷۹)	اقتصاد سنجی	سطح قیمت کالاها در کشور صادرکننده، سطح قیمت صادرات کالاها، سطح دستمزدها، موجودی سرمایه صنعتی
۳ هاشم پسران (۱۹۸۴)	اقتصاد سنجی	قیمت داخلی کالاهای تولیدشده، قیمت جهانی کالاها، نرخ ارز
۴ ماریان باند (۱۹۸۷)	اقتصاد سنجی	قیمت کالاهای صادراتی، قیمت متوسط کالاهای صادراتی در بازارهای بین‌المللی، درآمد کشورهای واردکننده، سطح قیمت‌های داخلی، نرخ ارز، شاخص ظرفیت تولیدی، متغیر موهومی
۵ بهمنی اسکویی (۱۳۷۲)	اقتصاد سنجی	موازنه تجاری واقعی، عرضه پول، نرخ ارز، تولید واقعی
۶ احمد شهبهانی (۱۳۵۷)	اقتصاد سنجی	واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، رابطه مبادله
۷ مجید اسماعیلی (۱۳۶۹)	اقتصاد سنجی	درآمد خارجی‌ان، شاخص کل قیمت کالاها در خارج، شاخص قیمت داخلی کالاهای صادراتی، شاخص قیمت جهانی کالاهای صادراتی، نرخ ارز، متغیر موهومی صادراتی، ارزش افزوده بخش کشاورزی، تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته

نرخ واقعی ارز، میزان واردات کشور طرف تجاری، شاخص قیمت خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، نسبت تجارت کشور در جهان	اقتصادسنجی	ابراهیم هادیان (۱۳۷۷)	۸
تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز آزاد، مصرف واقعی	اقتصادسنجی	نوفروستی و عرب‌مازار (۱۳۷۳)	۹
ارزش پول ملی، نرخ ارز، سیاست‌های پولی و مالی	اقتصادسنجی	محمدرضا مقیمی (۱۳۷۵)	۱۰
نسبت قیمت کالاهای صادراتی به داخلی، تولید ناخالص داخلی، مصرف داخلی، قیمت‌های جهانی، متغیر موهومی، نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز واقعی، بهره‌وری نیروی کار، ارزش ذخایر نفت، ارزش صادرات نفت	اقتصادسنجی	رستم نادری (۱۳۷۷)	۱۱
عوامل اقتصادی (رشد، توزیع درآمد، نرخ ارز، نرخ تورم)، عوامل فنی (تکنولوژی، نیروی کار ماهر، مدیریت)، عوامل اجتماعی و فرهنگی (الگوی مصرف، ارزش‌های فرهنگی، رشد جمعیت)، عوامل حقوقی و سیاسی (ثبات سیاسی، نظام حقوقی، قوانین و مقررات)	اقتصادسنجی	رضا پاکدامن (۱۳۷۷)	۱۲

۳- تأثیرپذیری صادرات غیرنفتی از عوامل قیمتی یا عوامل غیر قیمتی؟

قاعده کلی این است که اگر اقتصادی پیشرفته، رقابتی و کارآمد باشد منظومه قیمت‌ها در آن به خوبی علامت‌دهی می‌کنند و متغیرهای ساختاری و غیرقیمتی حالت تثبیت شده و پارامتر دارند. به عبارت دیگر در کشورهایی که توان طرف عرضه اقتصاد قوی است و رقابت‌پذیری فنی و استانداردهای کیفی در آنها تأمین شده است، کشش عرضه کالاها از جمله کالاهای صادراتی بالاست و بنابراین عرضه صادرات نسبت به قیمت‌ها به آسانی عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ اما در کشورهایی که رقابت‌پذیری ساختاری و فن‌آوری و استانداردهای کیفی تأمین نیست قدرت مانور عرضه بسیار کم است و بنابراین عرضه کالاها صادراتی کم کشش است. لذا صادرات به نسبت تغییرات قیمت‌های مرتبط (نرخ ارز، قیمت نهایی کالای صادراتی و ...) بسیار کند و محدود عکس‌العمل نشان می‌دهد. وضعیت روند صادرات غیرنفتی در کشور ما با وجود تغییرات مداوم نرخ ارز در سال‌های برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه بعد از انقلاب به خوبی گواه این مدعاست.

همان‌طور که از جدول (۳) پیداست علی‌رغم افزایش نرخ ارز در برخی سال‌ها صادرات غیرنفتی کاهش پیدا کرده است و همچنین در مواجهه با افزایش قابل توجه نرخ ارز در برخی سال‌ها صادرات غیرنفتی افزایش چشم‌گیری نداشته و یا به عبارتی شتاب نگرفته است که اینها به خوبی گواه این مدعا خواهند بود که عوامل غیر قیمتی بر روی صادرات کشورهایی که از ساختارهای لازم برخوردار نیستند تأثیرگذار است.

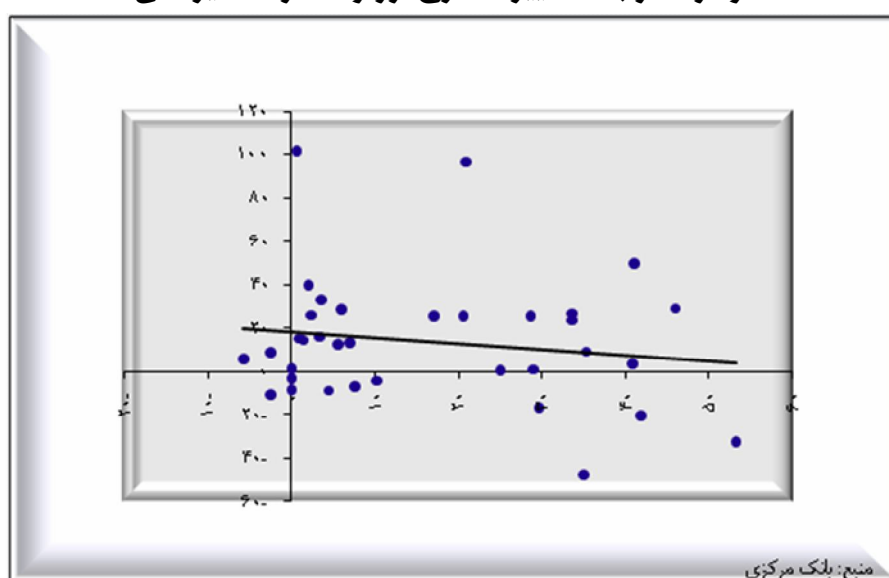
جدول ۳: نرخ ارز و صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران

سال	نرخ ارز (ریال)	صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)	نرخ رشد (درصد)	سال	نرخ ارز (ریال)	صادرات غیر نفتی (میلیون دلار)	نرخ رشد (درصد)
۱۳۵۲	۶۸	۶۳۵		۱۳۷۰	۱۴۲۰	۲۶۴۹	۱۰۱٫۹
۱۳۵۳	۶۸	۵۸۲	-۸٫۳	۱۳۷۱	۱۴۹۸	۲۹۸۸	۱۲٫۸
۱۳۵۴	۶۸	۵۹۲	۱٫۷	۱۳۷۲	۱۸۰۶	۳۷۴۷	۲۵٫۴
۱۳۵۵	۷۱	۵۴۰	-۸٫۸	۱۳۷۳	۲۶۳۵	۴۸۳۱	۲۸٫۹
۱۳۵۶	۷۱	۵۲۳	-۳٫۱	۱۳۷۴	۴۰۳۶	۳۲۵۷	-۳۲٫۶
۱۳۵۷	۱۰۰	۵۴۳	۳٫۸	۱۳۷۵	۴۴۴۶	۳۱۲۰	-۴٫۲
۱۳۵۸	۱۴۱	۸۱۲	۴۹٫۵	۱۳۷۶	۴۷۸۲	۲۹۱۰	-۶٫۷
۱۳۵۹	۲۰۰	۶۴۵	-۲۰٫۶	۱۳۷۷	۶۴۶۸	۳۱۸۵	۹٫۵
۱۳۶۰	۲۷۰	۳۴۰	-۴۷٫۳	۱۳۷۸	۸۶۳۴	۳۹۴۱	۲۳٫۷
۱۳۶۱	۳۵۰	۲۸۴	-۱۶٫۵	۱۳۷۹	۸۱۳۱	۴۱۸۱	۶٫۱
۱۳۶۲	۴۵۰	۳۵۷	۲۵٫۷	۱۳۸۰	۷۹۲۵	۴۵۶۵	۹٫۲
۱۳۶۳	۵۸۰	۳۶۱	۱٫۱	۱۳۸۱	۷۹۹۱	۵۲۷۱	۱۵٫۵
۱۳۶۴	۶۱۴	۴۶۵	۲۸٫۸	۱۳۸۲	۸۱۷۸	۶۶۳۶	۲۵٫۹
۱۳۶۵	۷۴۲	۹۱۶	۹۷٫۰	۱۳۸۳	۸۷۴۷	۷۵۳۷	۱۳٫۶
۱۳۶۶	۹۹۱	۱۱۶۱	۲۶٫۷	۱۳۸۴	۸۹۱۹	۱۰۵۴۶	۳۹٫۹
۱۳۶۷	۹۶۶	۱۰۳۶	-۱۰٫۸	۱۳۸۵	۹۲۲۶	۱۴۰۴۴	۳۳٫۲
۱۳۶۸	۱۲۰۷	۱۰۴۴	۰٫۸	۱۳۸۶	۹۳۵۷	۱۶۱۰۱	۱۴٫۷
۱۳۶۹	۱۴۱۲	۱۳۱۲	۲۵٫۷	۱۳۸۷	۹۶۶۷	۱۸۷۱۷	۱۶٫۲

منبع: بانک مرکزی

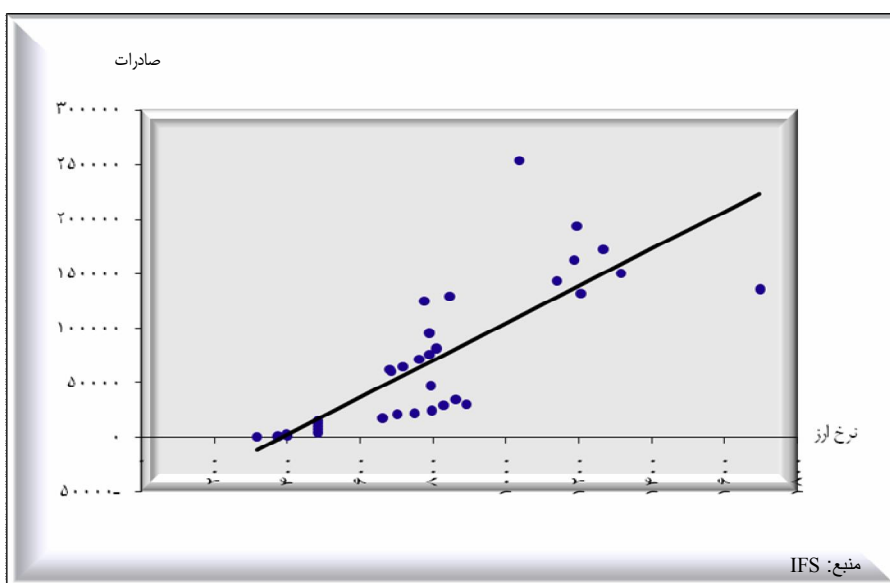
با توجه به نمودار (۲) ملاحظه می‌شود که رابطه نرخ رشد قیمت ارز با نرخ رشد صادرات غیرنفتی بسیار ضعیف است؛ یعنی با رشد شتابان نرخ ارز صادرات غیرنفتی به کندی رشد نموده است و این بدان معنا است که تنها وقتی افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود که عوامل زیربنایی و حقیقی غیرقیمتی تأمین شده باشد.

نمودار ۲: رابطه تغییرات نرخ ارز و صادرات غیرنفتی



چنانچه رابطه نرخ ارز و صادرات برای کره جنوبی در نموداری نمایش داده شود (نمودار ۳) ملاحظه می‌شود روند تغییرات نرخ ارز و صادرات در کشور کره جنوبی کاملاً هماهنگ و هم‌جهت بوده است و با افزایش نرخ ارز صادرات این کشور بطور قابل ملاحظه افزایش یافته است. اما در این کشور هم نرخ ارز عامل اصلی اثرگذار نیست و حتی در بعضی سال‌ها که نرخ ارز کاهش یافته است روند صادرات تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده است.

نمودار ۳: رابطه نرخ ارز و صادرات کره جنوبی



۴- حمایت از صادرات غیرنفتی به یک برنامه زمانی پویا و مرحله‌ای نیاز دارد نه یک برنامه جزمی ایستا

رونق صادرات مستلزم رونق رقابت‌پذیری و تأمین فن‌آوری‌های نوین، ایجاد فضای پولی و مالی و قیمتی مناسب و تحقق استانداردهای کیفی است. لذا اقتصاد کشور باید طی یک فرآیند به رونق صادرات دست یابد. طبیعی است هر مرحله‌ای از این فرآیند باید با حمایت‌ها و راه‌کارهای خاص همراه باشد. به عبارت دیگر نحوه حمایت از صادرات به مرحله‌ای بستگی دارد که اقتصاد، تولید ملی و صادرات در آن قرار دارند.

ابتدا باید زمینه‌ای فراهم شود که ارتقاء تکنولوژی، فضای باثبات قیمتی و هزینه‌ای در اقتصاد ایجاد شود و این خود یک مسیر پویاست. برای انجام این مهم باید فضای کسب و کار را ارتقاء داد و نهادهای علمی و تحقیقاتی را تقویت کرد ضمن اینکه حمایت‌های جانبی هم لازم است. باید متناسب با افزایش تورم هزینه‌های تولیدات صادراتی را جبران کرد؛ یا از طریق افزایش نرخ ارز یا از طریق کمک‌های مالی دولت و یارانه صادراتی.

اگر بازار ارز رقابتی نیست، ارزی‌بری تولید بالا است و مقتضیات تولید و تورم با افزایش نرخ ارز در سطح کل اقتصاد سازگار نیست باید قیمت ارز صادرکنندگان را بالا برد و اگر این هم امکان‌پذیر نیست باید به آنها یارانه داد. البته هر حمایتی که به صادرکنندگان اعطا می‌شود باید مشروط و محدود به زمان و شرایط باشد. طبق جدول (۴) ملاحظه می‌شود که ارزی‌بری تولید کشور رقم قابل توجهی است که این لزوم توجه به بخش تولید و هزینه‌های تولیدی به خصوص تولید صادراتی را گوشزد می‌نماید. نکته قابل توجه این است که ارزی‌بری تولید در طی سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است.

جدول ۴: ترکیب واردات و ارزشی تولید (میلیون دلار)

سال	واردات	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای	کالاهای سرمایه‌ای	مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به کل واردات (درصد)	مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به GDP (درصد)
۱۳۵۷	۱۰۳۷۲	۵۳۵۰	۲۹۰۸	۷۹,۶	۱۷,۵
۱۳۵۸	۹۶۹۵	۵۳۰۱	۱۸۳۵	۷۳,۶	۱۱,۱
۱۳۵۹	۱۰۸۴۴	۶۲۰۷	۱۷۳۸	۷۳,۳	۲۰,۳
۱۳۶۰	۱۳۵۱۵	۸۲۲۵	۲۱۴۹	۷۶,۸	۲۰,۲
۱۳۶۱	۱۱۸۴۵	۶۸۶۱	۲۳۰۸	۷۷,۴	۱۵,۴
۱۳۶۲	۱۸۱۰۳	۱۰۸۴۰	۴۳۵۲	۸۳,۹	۲۰,۰
۱۳۶۳	۱۴۴۹۴	۸۳۱۰	۳۸۶۷	۸۴,۰	۱۳,۸
۱۳۶۴	۱۱۴۰۸	۷۴۱۱	۲۴۲۱	۸۶,۲	۱۲,۱
۱۳۶۵	۹۳۵۵	۵۴۶۱	۲۱۹۹	۸۱,۹	۸,۴
۱۳۶۶	۹۳۶۹	۵۴۹۸	۲۲۰۹	۸۲,۳	۷,۰
۱۳۶۷	۸۱۷۷	۴۸۲۹	۱۸۶۹	۸۱,۹	۱۱,۴
۱۳۶۸	۱۲۸۰۷	۷۵۴۸	۲۹۱۵	۸۱,۷	۱۴,۶
۱۳۶۹	۱۸۷۲۲	۱۱۸۵۴	۴۳۶۳	۸۶,۶	۲۰,۵
۱۳۷۰	۲۹۶۷۷	۱۶۳۲۵	۹۹۱۱	۸۸,۴	۲۶,۹
۱۳۷۱	۲۹۸۷۰	۱۸۱۹۵	۸۲۱۲	۸۸,۴	۲۴,۳
۱۳۷۲	۲۰۰۳۷	۱۲۵۶۷	۵۰۸۵	۸۸,۱	۱۷,۵
۱۳۷۳	۱۱۷۹۵	۷۴۸۵	۲۷۷۱	۸۷,۰	۱۱,۲
۱۳۷۴	۱۲۳۱۳	۸۵۲۴	۱۸۶۰	۸۴,۳	۱۰,۹
۱۳۷۵	۱۵۱۱۷	۹۱۱۵	۳۸۰۷	۸۵,۵	۱۲,۸
۱۳۷۶	۱۴۱۹۶	۷۵۲۴	۴۶۶۱	۸۵,۸	۱۳,۲
۱۳۷۷	۱۴۳۲۳	۶۳۱۰	۶۰۰۲	۸۶,۰	۱۳,۵
۱۳۷۸	۱۲۶۸۳	۶۲۲۵	۴۵۱۰	۸۴,۶	۱۲,۷
۱۳۷۹	۱۴۳۴۷	۷۴۰۲	۴۸۳۴	۸۵,۳	۱۵,۰
۱۳۸۰	۱۷۶۲۶	۸۲۲۸	۷۱۲۷	۸۷,۱	۱۶,۵
۱۳۸۱	۲۲۲۷۵	۹۷۶۶	۹۶۶۸	۸۷,۲	۲۰,۰
۱۳۸۲	۲۶۵۹۸	۱۲۱۸۷	۱۱۲۲۶	۸۸,۰	۲۲,۹
۱۳۸۳	۳۵۳۸۹	۱۶۸۹۸	۱۲۱۰۵	۸۲,۰	۲۱,۶
۱۳۸۴	۳۹۲۴۸	۲۵۴۲۳	۹۲۲۱	۸۸,۳	۲۲,۲

منبع: بانک مرکزی

۵- ارتقاء صادرات کشور و موانع پیش روی آن

در اینجا ابتدا راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت صادرات غیرنفتی ارائه می‌کنیم و سپس مانع عمده تحقق آن را معرفی می‌نماییم.

۵-۱- راهکارهای لازم برای ارتقاء صادرات کشور

برای ایجاد رشد شتابان در صادرات و تأمین پایداری آن باید محیط اقتصادی مناسب ایجاد کنیم. لذا باید ثبات نقدینگی و کاهش تورم را به عنوان یک هدف اساسی دنبال کنیم. رسیدن به این مهم مستلزم انضباط بودجه‌ای دولت، اصلاح نظام بانکی، نظارت دقیق بر اعطای اعتبارات، رفع پدیده عدم وصول مطالبات بانکی در سطح وسیع، جهت‌دهی منابع

پولی و ارزی به سمت تولید، اهتمام به تولیدات دانش محور با تکنولوژی بالا، ارتقاء صنعت پردازش و بسته بندی جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر روی کالاهای کشاورزی و سنتی و اقداماتی از این قبیل است.

در واقع، راه کارهای ارتقاء صادرات عمدتاً همان راه کارهای اصلاح ساختار پولی و حقیقی کلی اقتصاد است. کندی صادرات غیرنفتی در کشور را نمی توان صرفاً در محدوده بخش صادرات بررسی کرد؛ این ساختار کلی اقتصاد است که وضعیت صادرات را مشخص می کند. البته اگر صادرات حالت پویا و شتابان به خود بگیرد و اقتصاد را در رقابت جهانی درگیر کند پویایی و رشد کل اقتصاد را هم تحت تأثیر قرار داده و جهت می دهد. در شرایطی که ۵۰ هزار میلیارد تومان معوقه بانکی در اقتصاد وجود دارد و تولیدکنندگان و صادرکنندگان از محدودیت وجوه رنج می برند و تورم حالت پویا و مستمر دارد نمی توان امید به شتاب صادرات داشت.

بنابراین باید در حوزه پول، ارز و تورم شرایط مناسب فراهم کرد؛ نقدینگی را ثبات بخشید تورم را کنترل کرد، و برای نرخ ارز صادرات چاره ای اندیشید یا حداقل یارانه معادل برای جبران تورم اعطا کرد. همزمان با این اقدامات باید به جنبه های ساختاری و فن آوری تولید و کیفیت اهتمام ورزید. در فضای تورمی، در شرایط جولان بسیار زیاد عوامل نامولد در اقتصاد، در شرایط وجود حجم بالای اقتصاد زیرزمینی و قاچاق، کیفیت و استانداردهای کیفی بی معنی است. بنابراین محدود کردن بخش نامولد، اقتصاد زیرزمینی و قاچاق ارز و کالا را باید دنبال کرد تا فضای مناسب برای گسترش صادرات فراهم شود.

۵-۱-۱- مراحل حمایت های پویای ارزی از صادرات کشور

همان طور که قبلاً هم متذکر شدیم اگر اقتصاد ما اقتصادی کاملاً رقابتی با بازارهای عمیق و کارا بود قیمت ارز طبق برآیند نیروهای بازار تعیین می شد و تا حد زیادی با مقتضیات بخش صادرات سازگار بود، اما وقتی وضعیت اقتصاد این گونه نیست و ما نظام ارزی پویا و کارا نداریم، شرایط صادرات ما مقتضی یک نرخ ارز است، شرایط تولید ما مقتضی یک نرخ دیگر و شرایط منابع ارزی و تقاضاهای رسمی برای ارز نیز مقتضی یک نرخ متفاوت دیگر می باشد. در چنین شرایطی باید نرخ ارز صادراتی و واردات کالاهای نامولد و مصرفی غیر ضروری بالاتر تعیین شوند و نرخ ارز تولید پایین تر.

اصولاً یک قاعده کلی وجود دارد و آن این است که وقتی اقتصاد و توازن ساختاری وجود ندارد می توان با قیمت ترجیحی اختلال و عدم توازن را کاهش داد. گفته می شود در چنین شرایطی فساد گسترش یافته و سوء استفاده زیاد می شود. در پاسخ گفته می شود که در اقتصادی که فساد وجود دارد و نظارت نیست نمی توان اصلاح ساختار کرد و نمی توان انتظار بهبودی داشت. البته تعیین قیمت دستوری سلیقه ای بدون توجه به مقتضیات واقعی بخش ها و کل اقتصاد مسئله دیگری است که هیچ کس از آن دفاع نمی کند و در اکثر موارد موجب بدتر شدن وضعیت می شود. اما تا رسیدن به وضعیت رقابتی و دستیابی به نظام ارزی عمیق و کارا و تا وقتی که ارزبری کل تولید بالاست باید ارز ارزان در اختیار تولید قرار گیرد و ارز صادرات و واردات گران تر باشد. به هر حال در جریان تک ترقی کردن ارز گفته شد چون وجود نرخ های چندگانه فسادآمیز است بنابراین این کار به عنوان یک ضرورت باید انجام شود و شد. بازهم تأکید می شود که در اقتصادی که نظارت و شفافیت حاکم نیست و فساد رواج دارد نمی توان هیچ اقدام اصلاحی انجام داد.

۵-۲- نقش بخش نامولد و فعالیت های فسادآمیز در صادرات و رشد

ما وقتی وضعیت اقتصاد کشور را مورد بررسی قرار می دهیم ملاحظه می کنیم که قیمت های کلیدی برای بعضی بخش ها گران است و برای بعضی بخش ها ارز مثلاً تولید بخاطر وابستگی به وجوه ملی و مواد اولیه با نرخ بهره پایین و

نرخ ارز ارزان سازگار است اما بخش‌هایی در اقتصاد هستند که با نرخ‌های بهره بالا هم حاضر به استقراض هستند و در بردارنده دو بخش مولد و نامولد است. بخش مولد بخشی است که تحولات مورد نیاز و اساسی دوم را تولید می‌کند و حذف و محدودیت آن به روند رشد و توسعه اقتصاد آسیب وارد می‌کند اما بخش نامولد بخشی است که اگر از صحنه اقتصاد حذف شود یا محدود شود نه تنها به روند رشد و توسعه اقتصاد فعلی وارد نمی‌کند بلکه موجب اعتلای رشد و توسعه هم می‌شود فعالیت‌های نامولد طیفی از فعالیت‌های قاچاق، غیرقانونی و قانونی بی‌ثمر را شامل می‌شود. ویژگی بخش نامولد این است که با درآمدهای بالایی همراه است از محدودیت‌های قانونی و مالیاتی آن هم بسیار اندک است در چنین شرایطی که عده‌ای فعالیت نامولد دارند و درآمدهای بالایی کسب می‌کنند مسلماً آنها باید از کیک تولید ناخالص ملی؟ می‌کند و سهم پدیدآورندگان این کیک (عوامل مولد) را کاهش می‌دهند. این امر موجب کاهش بازدهی بخش‌های مولد می‌شود که این خود به افت بهره‌وری و کارایی و کیفیت و رقابت‌پذیری منجر می‌شود و بنابراین چنین وضعیتی با ارتقاء و شتاب صادرات سختی ندارد گذشته از این جولان عوامل نامولد در اقتصاد به گسترش بی‌ثباتی پولی و نقدینگی فساد، عدم شفافیت منتهی می‌شود و اینها هم عوامل محدودکننده رشد و توسعه اقتصاد و بنابراین صادرات هستند.

۶- نتیجه‌گیری

می‌توان مباحث مطرح شده در این مقاله را این طور نتیجه‌گیری کرد که صادرات غیرنفتی ما علاوه بر موانع قیمتی با موانع غیرقیمتی و ساختاری نیز مواجه است بنابراین باید برای شتاب بخشیدن به صادرات، رشد و شتاب بهره‌وری تولید را مورد تأکید قرار داد و برای جبران تورم هزینه‌های تولید صادراتی یا نرخ ارز صادرات را بالا برد یا اگر این کار مستلزم هزینه‌های بیشتر است به آنها یارانه داد تا وضعیت صادرات ما به نقطه‌ای برسد که در آن علائم قیمتی به طور کارا علامت‌دهی کنند.

منابع و مآخذ

- ۱۱- شاکری، عباس (۱۳۸۱)، اثر تک نرخي کردن ارز بر متغیرهای کلان، مرکز پژوهشهای مجلس.
- ۱۲- شاکری، عباس (۱۳۸۳)، "ارائه یک مدل صادرات غیرنفتی برای ایران"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۱.

سایت‌ها

- ۸- سایت بانک مرکزی